

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۸۷، یکشنبه ۱ مرداد ۱۳۹۶ - ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۷

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- پیام تسلیت به مردم کردستان و به حزب کومله کردستان ایران.....ص ۲
- قدرت در جمهوری اسلامی، بدون چشم انداز و در دایره بسته - منصور امان.....ص ۲
- سوختبری، کولبری، دستپخت اقتصاد مقاومتی - زینت میرهاشمی.....ص ۵
- پیام شعله پاکروان به ایرانیان شرکت کننده در گردهم آیی بزرگ پاریس.....ص ۷
- متن سخنرانی زینت میرهاشمی در گردهمایی بزرگ مقاومت....ص ۸
- "خطای جدی" یا "پیام جدی" فرانسه در میزبانی گردهمایی پاریس - لیلا جدیدی.....ص ۹
- زنان در مسیر رهایی (تیر ۹۶) - اسد ظاهری.....ص ۱۰
- دانشگاه در ماهی که گذشت (تیر ۹۶) - کامران عالمی نژاد.....ص ۱۳
- کارورزان سلامت (تیر ۹۶) - امید پرهانی.....ص ۱۷
- چالشهای معلمان در تیر ماه (۹۶) - فرنگیس بایقره.....ص ۲۱
- رویدادهای هنری (تیر ۹۶) - فتح الله کیاییها ۲۵
- رسم آفتاب - م. وحیدی.....ص ۳۰
- عابر پگاه - م. وحیدی.....ص ۳۰
- موشک پرانی؛ اهمیت این پرسش که چه کسی فرمان شلیک می دهد - منصور امان.....ص ۳۱
- بازدید نمایشی سفرا از زندان مخوف اوین - زینت میرهاشمی.....ص ۳۲
- نفرت و خشم یک پهلوان از حکومت دینی - زینت میرهاشمی.....ص ۳۳
- وامصیبتا - مهدی سامع.....ص ۳۳
- امید عصیانی هامبورگ - برگردان: بابک.....ص ۳۵
- برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر ۱۳۹۶ - زینت میرهاشمی.....ص ۳۹
- شهادت فدایی در مرداد.....ص ۵۲
- انتشارات تصویری سازمان.....ص ۵۳

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

پیام تسلیت به مردم کردستان و به حزب کومله کردستان ایران

روز جمعه ۲ تیر، طی یک درگیری نابرابر میان رزمندگان دلیر حزب کومله کردستان ایران و نیروهای سرکوبگر سپاه پاسداران در اطراف شهر سنندج، سه فرزند قهرمان مردم کردستان به نامهای صباح حسین پناهی، حامد سیف پناهی و بهزاد نوری به شهادت رسیدند. این جوانان شجاع طی سالهای گذشته به طور فعال در مبارزه برای رهایی و عدالت شرکت داشته و همواره خود و خانواده های آنان مورد آزار و اذیت ماموران پلید رژیم بودند.

از طرف خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شهادت زنده یادان صباح حسین پناهی، حامد سیف پناهی و بهزاد نوری را به خانواده آنان، به مردم مقاوم کردستان، به حزب کومله کردستان ایران و به همه آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامع/ یکشنبه ۴ تیر ۱۳۹۶ - ۲۵ ژوئن ۲۰۱۷



قُدْرَت در جمهوری اسلامی، بدون چشم انداز و در دایره بسته

منصور امان

جمهوری اسلامی در کام یک جدال همه جانبه و فرسایش دهنده داخلی در ساختار قُدْرَت خویش دست و پا می زند که از نظر گستردگی پهنه هایی که در بر گرفته و نیز شدت آن کم پیشینه است. محور و مساله مرکزی در این جدال هیچ چیز کمتر از برقراری توازن جدید در دستگاه قُدْرَت پس از نمایش انتخابات و وارد شدن "نظام" به دور دُوْم "برجام" نیست. جناح میانه حکومت آرایشی که در کارزار انتخاباتی اش گرفته بود را حفظ کرده و نقاط اصطکاک دیگری را بر آن افزوده است.

چهار محور حمله

در نخستین دور درگیری پس از نمایش انتخابات، سُخنگوی جناح میانه حکومت منبع مشروعیت ولی فقیه را موضوع چالش قرار داد و صف آرای پهنای را در حوزه رسمی سیاسی و مذهبی شکل داد. کمی بعد وی به انتقاد از "دولت با تُفنگ" پرداخت و بدین وسیله دوگانگی قُدْرَت در ساختار حکومت را برجسته کرد و با کشاندن این مُناسبات به صحنه عمومی، کانون فشار تازه ای علیه باند حاکم شکل داد. سپس آقای روحانی پای قوه قضاییه را به میان کشید و "همایش سراسری" آن را به تریبونی برای زیر سووال بردن "بی طرفی" این نهاد و انتقاد از آلت دست شدن آن توسط "ضابطین" پاسدار و بسیجی اش بدل کرد. و سر آخر، در اولین فُرصت بعدی، جبهه سیاست خارجی را گشود و آماج استراتژیک باند حاکم در این پهنه مبنی بر تبدیل به قوی ترین قُدْرَت منطقه را زیر ضرب گرفت.

نُکته مُشترک در هر چهار آماج مورد حمله قرار گرفته، نقش بی بدیلی است که آنها یا به طور بی واسطه در تحکیم اقتدار یکجانبه باند حاکم ایفا می کنند و یا پوش سیاسی و ایدیولوژیک اعمال آن را فراهم می آورند. سُسْت گردیدن هر یک از این پایه ها به گونه موثر، به معنای تضعیف کُلّیتی است که این مجموعه ایدیولوژیک و قهری را تشکیل داده است. در زنجیره استبداد مذهبی، ولایت فقیه مُهره اتصالی است که دو حلقه شورای نگهبان و مجلس خبرگان را به یکدیگر و به خود پیوند داده تا گرد ساختار انتخابی نظم دینی - استبدادی چنبره زده و آن را دستکاری و هدایت کند. کارکرد این ساختار را یک لایه نظامی و امنیتی تضمین کرده و از آن در برابر رُقبا و نیز جامعه که "دُشمن" خوانده می شود، پاسداری می کند. سایش هریک از این حصارها، امکان نفوذ و تهاجُم به قلعه را نیز در بر دارد؛ هدفی که جناح میانه حکومت در انتها نه برای درهم کوبیدن قلعه، بلکه برای مشروط ساختن قُدْرَت اش در برابر نهاده و "نظام" را به یک بُحران تمام عیار سیاسی در "بالا" دُچار ساخته است.

جدال جاری زیر "خیمه نظام" به ویژه از آن رو اهمیت دارد که تضاد عمیق و نهادینه ای که در سیستم حُکمرانی تنیده شده را با شدت و در نمودی پیدا برای همگان به سطح آورده است. قُدْرَت حُقوقی و قُدْرَت حقیقی بار دیگر در برابر یکدیگر صف آرای کرده اند. این تضادی است که غمری به درازای قدمت رژیم جمهوری اسلامی دارد و "نظام" آن را

همچون زخمی گه‌نه از یک دوره به دوره دیگر بر تن می کشد و هر بار اندکی ضعیف تر گردیده و خون بیشتری از دست می دهد. ترکیب نمایشی و ناهمگون از نهادهای قدرت در جمهوری اسلامی، امکان چیرگی بر این تضاد را به کلی از آن سلب کرده است. در انتهای پروسه بلوغ تضاد، مناسبات بین قدرت حقیقی و حقوقی را تمکین یا تقابل شکل می دهد. حُجّت الاسلام محمد خاتمی نمونه ای از گزینه اول، آقای ابوالحسن بنی صدر از دومی و آقای محمود احمدی نژاد ترکیبی نامتعادل از هر دو است.

بحران اقتصادی

صف آرای کنونی آقای روحانی در برابر قدرت حقیقی و نهادهای آن را یک واکنش طبیعی و داخلی سیستم می توان به حساب آورد. او در مسیر پیشبرد پروژه ای که منافع و جایگاه جناح میانه حکومت را در قدرت زیرسازی و تامین می کند، به سد قدرت حقیقی برخورد کرده است که منافع آن بر اساس تامین الزامات و پیش شرطهای متفاوتی شکل گرفته است. رقبای باند حاکم برای برآوردن نیازهای تجاری - اقتصادی پروژه خود ناچار هستند که اداره دولت را از چنگ بوروکراسی ولایت فقیه بیرون بکشند و خواهان کنترل واقعی بر منابع ثروت شوند. آنها در شرایط "عقب نشینی قهرمانانه" قدرت حقیقی، برای شکستن انحصار آن بر سیاست و اقتصاد به طور فراگیر و کسب یک جایگاه ایمن و تثبیت شده متناسب با این موقعیت خیز برداشته اند.

این هدف در تهاجم به سپاه پاسداران و طرح "دولت تفنگدار" نمادینه شده است. ارگان نظامی و امنیتی مزبور نه فقط پایه اقتدار باند حاکم و ابزار اصلی تصرف و انحصار جبری قدرت توسط آن محسوب می شود، بلکه در طول دو دهه اخیر به شریک مهمی در منابع ثروت تبدیل گردیده و یک مانع مهم بر سر راه ورود رقبای دیگر به این پهنه همچون سرمایه خارجی و بورژوازی غیر دولتی است. این در حالی است که پنجه بحران اقتصادی، گلوی "نظام" را می فشارد. حُفره های عمیق و پرنشدنی در بودجه، در عمل دولت را فلج کرده است و به موازات آن، بار تهدید آمیز و خرد کننده بدهکاری به موسسات و نهادهایی با کارکرد اجتماعی را بر دوش دارد. نظام بانکی ورشکسته، ناکارا و فاسد است و حکومت توانایی گردآوری و جذب نقدینگی کلان موجود و سرمایه های سرگردان را ندارد. دست نجات سرمایه خارجی دراز نشده و کیسه منافع عقب نشینی هسته ای خالی مانده است و "نظام" با این درماندگی هنگامی باید دست و پنجه نرم کند که بخش مهمی از منابع آن هزینه سر پا نگه داشتن سیاست دخالت خارجی و تغذیه ماشین جنگی که آن را پیش می برد، می گردد.

شرایط مزبور از دو جهت برای حکومت و دسته بندیهای درونی آن به گونه یکسان تهدید آمیز و همچنین تحمل ناپذیر است. مطالبات جامعه برای بهبود وضعیت کار و زندگی خود که هر روز آشکار تر و با صدای بلند تری بیان می شود، تهدیدی در برابر موجودیت "نظام" است. از سوی دیگر، بحران اقتصادی و اختلال در فرایند ارزش زایی، مساله انباشت و تولید ثروت را به گونه جدی روی میز طبقه حاکم گذاشته است.

دولت تفنگدار

طرح مساله "دولت تفنگدار" که آشکارا به تصرف جبری و همزمان دو پهنه قدرت و ثروت اشاره دارد و از طریق برجسته ساختن پیشخوان این معامله نابرابر یعنی سپاه پاسداران ابراز گردیده، مسیری که آقای روحانی و جناح او برای برون رفت از بحران پیش گرفته اند را نشانه گذاری می کند. وی در همانجا که ترم "دولت تفنگدار" را مطرح ساخت، به انتقاد از "تصدی گری دولت" و "خصوصی سازی غیرواقعی" پرداخت و با اشاره به "ترس از رقابت با دولت با تفنگ"، خواهان "واگذاری اقتصاد به مردم" شد.

ناگفته پیداست که طرح او به گونه فشرده متوجه گشایش دربهای "نظام" به روی بازار جهانی سرمایه و کالا است؛ پروژه ای که توافق هسته ای بخشی از موانع تحقق آنرا کنار زد و اینک به سدهای دیگری که در برابر دارد، حمله ور شده است. گذشته از ارزش گذاری آماجهای اقتصادی جناح میانه حکومت، پُرسش اصلی این است که برای دستیابی به هدف "گشایش"، این بخش از "نظام" تا کجا حاضر است پیش برود و تغییرات فرضی که اعلام می کند خواهان آن است را چگونه به واقعیت بدل می سازد. چرا که هر تغییر در شکل مناسبات اقتصادی در جمهوری اسلامی مشروط به

دگرگونیهای معینی در ساختار غیر مدنی قدرت هم در زیربنای مادی و هم در روبنای ایدئولوژیک آن است. ضرورت این امر را پیوند بی واسطه ساختارهای ارگانهای قدرت حقیقی با اقتصاد و سیاست خارجی و مشروعیت بخشی به آن با دگمهای ایدئولوژیک توضیح می دهد. از این زاویه، نشان دادن سپاه پاسداران بر سیل نشانه را می توان یک هدف گیری دقیق و سودمند برای جدا سازی سیاست و اقتصاد از "تفنگ" دانست.

اما با وجود شناسایی و برخورد لفظی به تناقض، رویکرد آقای روحانی نسبت به آن دوگانه و تردید آمیز باقی می ماند. او با یک دست نیروهای فرا دولتی را پس می زند و با دست دیگر پیش می کشد و تقویت می کند. او در ۲۰ تیر در مقام پاسخگویی به رُقا توضیح داد که دولت وی از بودجه کل کشور هزینه ماجراجویی نظامی در سوریه و عراق را "در شرایط تحریم" تامین کرده و مخارج "شهرهای موشکی" سپاه پاسداران را پرداخت کرده است. او فخر فروخت که وزارت دفاع اعتدالی در طول تنها یک دوره چهارساله "۸۰ درصد کل سلاحهای ساخته شده در دولتهای قبل" را به انبارهای "دولت تُفنگدار" تحویل داده است.

کمی بعدتر، سرکرده واحد برون مرزی سپاه پاسداران، آقای سلیمانی، بخشی از مورد مصرف این ادوات را نیز توضیح داد. او گفت: "ابومهدی، فرمانده حشد الشعبی، توانست کلید درب انبارهای تسلیحات را در خدمت خویش بگیرد." وی ابعادی تازه ای از سرویس دهی دولت به سپاه پاسداران را فاش ساخت و گفت: "وزارت دفاع به صورت سه شیفته برای عراق سلاح تولید و به آنجا ارسال کرد."

البته و آنگونه که از سُخنان آقای روحانی برمی آید، این همه پول و اسلحه ای نیست که به شکم اژدها برای پروار کردن اش ریخته شده، اما او به این مُشت از خروار بسنده می کند و می گوید: "این کار بزرگی است، اما در بعضی بخشها نیازی نمی بینیم که برای مردم توضیح دهیم."

ناهمگونی آشکار بین برنامه جناح میانه حکومت با عمل آن در هیچ نقطه دیگری به این روشنی خود را نمایان نمی سازد. آقای روحانی و دوستان در همان حال که بر صحنه عمومی با حرارت از "دولت تُفنگدار" انتقاد می کنند، پشت پرده با همان حرارت مشغول ارائه خدمات صادقانه خویش به منافع آن هستند. این امر بیش از همه در توزیع منابع خود را آشکار می سازد. اعترافات موشکی و "دفاع از حرم"ی آقای روحانی فقط بخشی از این پروسه را در برمی گیرد. گرایش کلی تر را در بودجه ای که او برای سال جاری (۹۶) تدوین کرده می توان مشاهده کرد.

نگاه به این سند بیش از همه از آن رو اهمیت دارد که بودجه مهم ترین اهرم مالی دولت برای تنظیم و سمت دهی به اقتصاد کلان به حساب می آید. سیاستها و آماجهای اعلام شده در این جا و برحسب منابعی که بدانها اختصاص گرفته، راستی آزمایی شده و جایگاه واقعی که به آنها داده شده، نمایان می گردد. در جدول توزیع منابعی که آقای روحانی تنظیم کرده، نهادهای نظامی و امنیتی هم بیشترین سهم را می برند و هم بالاترین درصد افزایش بودجه را به خود اختصاص داده اند؛ بودجه سپاه پاسداران ۲۸ درصد، ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح ۳۲ درصد، ارتش ۵۲۱ درصد و نیروی انتظامی ۱۴ درصد افزایش را نشان می دهد. هرگاه به سهم بخشهای مدنی و اقتصادی از بودجه ۹۶ نگرین شود، آنگاه وزنه سنگین بخش نظامی و امنیتی در اقتصاد کلان نیز بهتر به چشم خواهد آمد.

برآمد

زیر "خیمه نظام" جنگ قدرت با شدت تمام جریان دارد، بدون آنکه هیچیک از طرفهای آن به راستی آلترناتیوی در صورت غلبه بر دیگری برای عرضه داشته باشند. باند حاکم ولی فقیه برای حفظ جایگاه خود در قدرت هم به پروژه بحران زدایی از فعالیتهای هسته ای "نظام" و هم به کارگزاران آن نیاز دارد. از سوی دیگر، جناح میانه حکومت این پروژه و فراز دادن آن به سطح شراکت با غرب را تنها با اتکا به ابزارهای بقای سیستم که شاخص آن "دولت تُفنگدار" است، می تواند پیش ببرد.

میدانی که دو نیروی قُطب حاکمیت در آن می جنگند، یک دایره بسته است که راه خروجی ندارد. راه قُطب جامعه اما رو به جلو گشوده می شود و هموست که سرانجام نبرد فرسایشی در "بالا" را به سود خویش رقم خواهد زد.

سوختبری، کولبری، دستپخت اقتصاد مقاومتی

زینت میرهاشمی

سوختبری و کولبری در مناطق محروم مرزی، از جمله ساده ترین و قدیمی ترین نوع امرامعاش است که شمار رو به فزون آن در قرن بیست و یکم در کشوری ثروتمند از منابع طبیعی جلوه ای از فقر، نابرابری و دستاورد یک حکومت غارتگر است. کیفیت نیروی کار مشغول به این شیوه سنتی کارگری از افراد بدون تخصص و دانش علمی به جوانان فارغ التحصیل در مدارج بالای علمی و نیز دانشجویان در سالهای اخیر تغییر یافته است. این تغییر بافت از قهقرا رفتن وضعیت کار و اشتغال در این استانها حکایت می کند. افزایش این پدیده در حالی صورت می گیرد که در مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری انگلی حاکم بر ایران، اقلیتی هر روز پولدارتر، لوکس تر و اکثریتی به شدت فقیر تر می شوند. افزایش غیر متعارف شکاف طبقاتی به ویژه در سه دهه اخیر برآمد عینی اقتصاد مقاومتی و سیاست تحمیل ریاضت کشی و ناهنجاریهای آن بر دوش مردم ایران به ویژه مردم ساکن مناطق مرزی ایران است.

سوختبران و کولبران از جمله کسانی هستند که نه تنها جایگاهی در ساختار اجتماعی و قانون کار از نظر بیمه درمانی، بازنشستگی و... ندارند بلکه پایان زندگی کاری آنها، مرگ با گلوله های ماموران رژیم و در شکل بهتر، پیری زود رس و مرگ در اثر بیماریهای ناشی از نوع کاری است که به آنها تحمیل می شود.

سوختبران زیر آتش ماموران

سوختبری در مناطق سیستان و بلوچستان رواج دارد. سیستان و بلوچستان از جمله استانهای فقیر و محروم ایران است که در دهه های اخیر به دلیل خشکسالی دریاچه هامون و طوفان شن و ریزگردها، فعالیتهای کشاورزی، دامداری و صیادی در این منطقه از بین رفته است. در این استان هیچ چشم انداز کسب و کار برای ساکنان آن وجود ندارد. حمل بنزین و گازوئیل با خوردوهای غیر استاندارد در سایه ترس و فرار از ماموران، برای رساندن به خریداران آن طرف مرز، تنها گزینه اشتغال پر خطر برای جوانان بیکار در این منطقه مرزی است. این گروه زحمتکش به واسطه هایی بین دو طرف قاچاقچی، بدون سهم داشتن در سود سرشار از محموله قاچاق، تبدیل شده و جان خود را در برابر مزد اندکی به هراج می گذارند. سوختبری آنقدر گسترش پیدا کرده که از درهای مجلس ارتجاع عبور کرده و به گوش ناشنوای مجلس نشینان هم رسیده اما هیچ نتیجه ای در بر نداشته است.

رئیس مجمع مجلس نشینان از استان سیستان و بلوچستان (محمد نعیم امینی فرد) روز اول مرداد در رابطه با افزایش تعداد سوختبران گفت: «بیکاری در سطح استان باعث شده تا سوختبری همه گیر شود.»

کمپین فعالان بلوچ، زندگی در استان سیستان و بلوچستان را این گونه به تصویر می کشد: «۱۸ سال است تالاب هامون روی خوش و پر آبی به خود ندیده. عطش بی آبی مردم، گرمای جان سوز، ناقوس مرگ ماهیان، شیوع بیماریهای تنفسی و خالی شدن روستاها از سکنه، تصویر و واقعیت تلخی است از زندگی مردم سرزمین (دریا و کویر)».

رژیم ولایت فقیه علاوه بر تحمیل فقر و نابرابری، بر مردم این منطقه مرزی ایران، به بهانه امنیت مرزها، فرهنگیان، فعالان مدنی، دانشجویان و مخالفان خود را شدیداً سرکوب می کند. شمار زیادی از هموطنان مبارز و آزادیخواه بدون دستیابی به امکانات دفاع از خود در سیاهچالهای قرون وسطایی رژیم حبس هستند. تا کنون تعداد زیادی به چوبه های دار سپرده شده و همچنان تعدادی در صف اعدام هستند. اقلیتهای دینی محبوس در زندانها از این مناطق را هم باید به حجم ستمهای وارده اضافه کرد.

کشتار کولبران ادامه دارد

کشتن و نقص عضو کردن کولبران توسط ماموران رژیم همچنان ادامه دارد. کولبری هم مانند سوختبری، در استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان، از برکت راهبردهای اقتصاد مقاومتی ولی فقیه، همه گیر و یا در مواردی تنها چاره درآمد برای خانواده به حساب می آید. کولبران کسانی هستند که تنها ابزار کارشان برای درآمد، بدنشان است و هیچ جایی در قانون کار، بیمه سلامت و بیکاری و بازنشستگی ندارند. در پی پخش گسترده وضعیت

کولبران، پایوران رژیم از بیمه کردن تعدادی از آنها و یا دادن کارت سبز سخن پراکنند اما تا کنون نه تنها وضع این شاغلان پنهان بهبودی نیافته بلکه هر روز خبر تیراندازی و یا مرگ آنها در حین عبور از مناطق صعب العبور شنیده می شود. در این قسمت اقتصاد مرزی، علاوه بر دارندگان مدارک تحصیلی بالا، زنان، کودکان و معلولان هم در صف کولبران به کار مشغول هستند.

بر اساس خبرهای منتشر شده، فقط در تیرماه سال جاری، ۳ کولبر به دست ماموران مرزی رژیم جان شان را از دست دادند.

روز اول تیر ماه یک کولبر در مرز ارومیه جانش را از دست داد. مراد عربی، پدر سه فرزند توسط گلوله ماموران در روز اول تیرماه جان داد. روز شنبه ۱۰ تیر ماموران در ارتفاعات بانه و در اطراف روستای «کنده سوره» ۸ کولبر زحمتکش را به گلوله بستند. یکی از کولبران به نام واحد قادری جانش را از دست داد. و تعدادی زخمی شدند. یک کولبر دیگر به نام سیروان خانه خلی، در ۲۴ خرداد در سردشت با گلوله ماموران جانش را از دست داد. به این تعداد باید شمار کولبرانی که نقص عضو و برای همیشه خانه نشین می شوند را باید اضافه کرد.

وزیر کار دست به دامن خُمس و زکات دهندگان شد

برای اسلحه رسانی به عراق، سوریه، حزب الله، بسیج و پاسداران در بودجه سالانه حکومت مقدار زیادی بودجه در نظر گرفته شده اما برای ساختن مدرسه، بیمارستان و کمک به بینوایان دست به سمت مردم خیرخواه دراز می کنند. مدرسه های خراب، روستاهای بدون مدرسه، بیمارستانهای غیر استاندارد و روستاهای بدون آب و بهداشت باید منتظر کمک مردم خیرخواه باشند. وزیر کار رژیم در روزهای پایانی کارش، ناامیدانه از کلید زنگ خورده روحانی برای ایجاد شغل، به خُمس و زکات خیرخواهان متوسل شد.

حرفهای ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با «خُمس و زکات» به عنوان بدیلی در برابر گسترش فقر و بی خانمانی، از نوع راهبردهایی است که فقط در عطاری رژیم ولایت فقیه با اقتصاد مقاومتی یافت می شود. وزیر کار حسن روحانی هم به همان راهبردهای مبارزه با فقر و بیکاری از راه صدقه مانند احمدی نژاد متوسل شده است.

علی ربیعی در نشست «شورای عالی زکات»، چاره رفع نابرابری را در ترویج خُمس و زکات دانست و گفت: «سیاست دولتها، چون هدفمند نبوده نتوانسته فقر و نابرابری را ریشه کن کند، بنابراین نیازمند توجه جامعه به سنتهای دینی نظیر خیرات، وقف، خُمس و زکات هستیم.» (ایلنا اول مرداد ۹۶)

ربیعی در این نشست وعده ایجاد کسب و کار در روستا را نداد و خواهان استفاده از «نهادهای مستقر در روستاها برای تبلیغ این واجب دینی» برای فقرزدایی شد. به نظر می رسد مردم خیرخواه به دلیل عدم اطمینان به حکومت و سران نهادهایی که خُمس و زکات را به بهانه کمک به فقیران جمع می کنند، از گوش کردن به این فریضه آخوندها سرپیچی می کنند.

زیر محک زمان

قطعهنامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/ France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



پیام شعله پاکروان به ایرانیان شرکت کننده در گردهم آیی بزرگ پاریس

متن زیر پیاده شده پیام ویدئویی به گردهمایی روز ۱۰ تیر ۹۶ در حومه پاریس است. سلام بر همه کسانی که برای احقاق حقوق انسانی، آزادی ... و نه به اعدام و شکنجه گردهم جمع شده اند. همه ایرانیانی که آمده اند تا همبستگی خود را با مردم رنج دیده نشان دهند. همراهی با مادرانی که دندان کینه بر جگر می فشارند. نزدیک ده سال گذشت از روزی که دخترم توانست از نبرد با مامور اطلاعاتی متجاوز و مقابله با آن نرینه وحشی، جان سالم به در برد.

پس از آن او بود و شلاق و لگد و انفرادی، او بود و بازجویی و بیدادگاه. او بود و سایه طناب دار. او بود و استقامت در مقابل خواسته سیستم قضایی و اطلاعاتی برای نوشتن نامه ای که ابروی رفته مامور هرزه را بازگرداند. او بود و نه گفتن. او بود و رقص بر دار.

او رفت و من ماندم. با جگری خون چکان، سرگشته و حیران بر ظلمی که اشکارا روا شد بر دخترم. من ماندم و گلویی که پر بود از فریاد. فریاد بر بیدادی که به دخترم روا شد.

من ماندم و سفر به خانه هایی که چوبه های دار ویران شان کرده بود. خانه هایی که همه مردان شان در دو نسل پیایی اعدام شده بودند. حکایتها شنیدم از زنانی که شوهران اعدام شده را در حیاط خانه دفن کرده و بچه های خردسال شان را در همان حیاط، بزرگ کرده بودند. از جوانانی که کودکی شان دزدیده شد با اعدام پدر یا مادر در قتل عام ۶۷. من ماندم و دیدن سفره های خالی بازماندگان اعدام. همانها که به جرم اعتیاد با سیم بکسل بردار شدند و روی گردن شان رد خون باقیماند.

من ماندم و دیدن اشک آغشته به خشم مادری که پسرش زیر چرخهای ماشین نیروی انتظامی له شد. دیدن پای تاول زده مادری که ۱۷ سال به دنبال رد پای سعید گمشده اش دویده بود. هم نشینی بامادری که در غروبی غمگین تنها یک لحظه از غفلت ماموران استفاده کرده و جنازه پسرش را دیده بود. پسری که با شلیک مستقیم به سرش کف خیابانهای تهران کشته شد. مثل ندا. مثل کیانوش مثل صانع.

من ماندم و شنیدن از مردی که ۵۰ عضو فامیلش اعدام شده بودند. مادرانی که ۵ فرزندشان اعدام شده و سنگی بر گوری نداشتند تا بر آن مویه کنند. خاوران قبله دل شان بود.

من ماندم و مادری که پسرش در زندان، اعدام خاموش شده بود. حیران و سرگردان از شهری به شهر دیگر می رفتم و باز می جستم بازماندگان اعدام را. ریان را دیدم که هنوز چهارسالش هم نشده اما پدر و عموهایش اعدام شده اند. آخر آنها سنی بودند. رویدا را دیدم که قرار بود تازه به کلاس اول رود که اعدام پدر، شلاقی شد بر چهره اش. هر چه آنان را می یافتم بیشتر می فهمیدم که عدالت گم شده در سرزمینم، سرزمینی که تشنه عدالت و آزادی است. آتشی که سربدار شدن ریحان به جانم افکنده بود شعله ورتتر شده و اراده ام برای برچیدن بساط اعدام آهنین گشت.

اکنون در آستانه دهمین سال نبرد ریحانم می دانم که علاوه بر محاکمه و مجازات جلادان و قضاتی که در کشتن دخترم دخیل بوده اند، خواهان برقراری عدالت و آزادی هستم، تا دیگر کسی بخود جرات ندهد ستار را زیر شکنجه بکشد. اکنون می گویم همچنان که ریحان دختر میلیونها مادر شد، من نیز مادر هزاران جانباخته ام، مادر هفت برادران، مادر اعدامیان کرد و بلوچ، مادر شهرام و مونا، مادر سعید و مصطفی و رضا. قطره ای از دریای دادخواهان، تا نفس دارم بر طبل دادخواهی خواهم کوفت.

می دانم که هزاران دست یاریگر به سویم دراز خواهد شد. دستهایی که نمی گذارند پرچم دادخواهی به زمین افتد.

می دانم نه ریحان و نه دیگر اعدامیان باز نخواهند گشت، اما ریحانها در آینده لبخند خواهند زد.

می دانم که راهی سخت در پیش دارم اما با همه توان به عهدی که با رعنایان در خاک خفته بسته ام وفا خواهم کرد.

اینک این منم مادر هزاران ریحان. قطره ای در دریا، فراتر از هر عقیده و گروه، دستهایم را به سوی دستهای یاریگر دراز می کنم، کیست یاری ام کند؟

متن سخنرانی زینت میرهاشمی در گردهمایی بزرگ مقاومت

شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۶

دروود و سلام بر همه ی شما، شما رزمندگان راه آزادی و رهایی در این فرصت کوتاه به دو نکته به طور خیلی خلاصه می پردازم
اول: اهمیت رویداد ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰

رویداد ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰، نقطه عطفی در تاریخ جنبش ضد استبداد دینی است. رژیم بنیادگرای اسلامی با گلوله بستن تظاهرات مسالمت آمیز مردم، دستگیری، شکنجه و اعدام اعضا و هواداران نیروهای انقلابی و آزادی خواه و به طور خاص نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران را شروع کرد.
هدف خمینی از این کشتار این بود که با کشتن آزادیخواهان و روشنفکران و به طور کلی نخبگان جنبش، روحیه تسلیم و زندگی در خفت و خاری را به مردم تحمیل کند.



از جهت دیگر خمینی با ادامه جنگ ضد مردمی سیاست صدور ارتجاع را دنبال می کرد.

در مقابل این دو سیاست راهبردی رژیم، جنبش مقاومت با تمام وجود ایستادگی کرد و بدیل دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح را قرار داد.

مردم ایران با قیام ۳۰ خرداد سال ۱۳۸۸، راهکار ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ را ادامه دادند.
از ۳۰ خرداد ۶۰ تا ۳۰ خرداد ۸۸ هزاران هزار زن و مرد آزادیخواه و مبارز به شهادت رسیدند که امروز یاد و خاطره آنها را گرامی می داریم.
خانواده ها و همزمان آن شهدای پرافتخار، اکنون دادخواه خونهای ریخته شده آنان هستند که نکته دوم صحبت های من است.

جنبش دادخواهی بخشی از جنبش ضد دیکتاتوری و نقش مهمی در رسیدن ایران به آزادی، دموکراسی و صلح خواهد داشت. ما همگان وظیفه داریم که از این جنبش حمایت کنیم.
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، عضو شورای ملی مقاومت ایران با تاکید بر رویداد ۳۰ خرداد به عنوان نقطه عطفی در جنبش رهای بخش مردم ایران، بر اهمیت جنبش دادخواهی مادران و جنبش مقاومت زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم تاکید کرده و از این جنبش حمایت می کند.

ما هم صدای بی صدایان هستیم!

پیروز باشید

"خطای جدی" یا "پیام جدی" فرانسه در میزبانی گردهمایی پاریس

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۱۲ تیر

روز شنبه دهم تیرماه (اول ژوئیه)، همایش سالیانه سازمان مجاهدین خلق ایران در پاریس برگزار شد. در این گردهمایی با شعار "ایران آزاد"، ده ها هزاران تن از ایرانیان و پشتیبانان مقاومت ایران و شماری از مقامها و چهره های سیاسی بین



المللی شرکت داشتند. همچنین جمعی از اعضا و حامیان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز با برگزاری میز کتاب، حضور و همبستگی خود با این همایش را اعلام داشتند.

در این میان، واکنش سراسیمه رژیم جمهوری اسلامی بدین گردهمایی و اعتراض به دولت فرانسه، کشور میزبان، نیز شایان توجه می باشد.

در حالی که خانم رجوی این مراسم را تحت

تاثیر سه رویداد بزرگ "انتقال اعضای مجاهدین به خارج از عراق، شکست سیاست مداخلات آمریکا و اروپا با رژیم و شکست خامنه ای در انتخابات فرمایشی" اعلام کرد، سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم لب به شکایت از دولت فرانسه گشود که "چرا چنین مجوزی برای تجمع صادر کرده است"، وی این اقدام را "خطای جدی" فرانسه توصیف کرد.

اما ببینیم آیا این یک "خطای جدی" یا یک "پیام جدی" به رژیم می باشد.

نخست آنکه تنها یک هفته پیش از این گردهمایی، ۲۵۶ نماینده پارلمان اروپا (بیش از یک سوم اعضای این نهاد) در بیانیه ای "نقض حقوق بشر در ایران" را محکوم کرده و خواهان تحریم سپاه پاسداران شدند. در این بیانیه به اعدامهای صورت گرفته در ایران طی چهار سال ریاست جمهوری روحانی و گماشتن مصطفی پورمحمدی، عضو کمیته صادرکننده حکم اعدام هزاران زندانی در تابستان ۱۳۶۷، به وزارت دادگستری دولت وی اشاره شده و از نهادهای بین المللی حقوق بشری خواسته شده که کمیته ای برای تحقیق درباره این اعدامها تشکیل داده شود.

رژیم یک روز پیش از این گردهمایی، وزیر خارجه برجامی اش، محمد جواد ظریف، را برای لابی گری علیه آن نزد مقامات پاریس فرستاد. اگرچه بعد از بی اعتنایی به درخواست رژیم و شکست ماموریت ظریف، وزارت امور خارجه رژیم ادعا کرد که این سفر بی ربط به گردهمایی پاریس بوده، اما ظریف پیش از بازگشت به تهران در مصاحبه ای در فرودگاه شارل دوگل پاریس نتوانست خشم خود از تودهنی در پاریس را مخفی کند و حضور و فعالیت مخالفان رژیم را "نقطه ابهامی" در روابط تهران و پاریس بیان کرد.

به همین صورت واکنش دیگر کارگزاران رژیم نشاندهنده عصبانیت آنها به "پیام جدی" که گرفتند، بود. در همین رابطه دبیر "شورای حقوق بشر قوه قضاییه" از دولت خواست جهت تلافی، روابط سیاسی با فرانسه کاهش داده شود و قراردادهای خودروسازی لغو گردد. این در حالیست که نه تنها قراردادهای مزبور در حال اجرا هستند، بلکه به گزارش خبرگزاری فرانسه قرارداد پنج میلیارد دلاری رژیم با شرکت توتال نیز روز دوشنبه امضا می شود؛ قراردادی که شرکت فرانسوی توتال، ۵۰٫۰۱ درصد از مالکیت پروژه پارس جنوبی را در اختیار خواهد داشت. ۳۰ درصد سهم یک شرکت چینی می شود و ۱۹٫۹ درصد از آن نیز به شرکت پتروپارس تعلق خواهد داشت.

رژیم درمانده جمهوری اسلامی تا همینجا "خطای بزرگ" فرانسه را با اعطای بیش از پنجاه درصد مالکیت این پروژه به توتال بخشیده و ناگزیر با طعم تلخ "پیام جدی" پاریس هم کلنجر خواهد رفت.

زنان در مسیر رهایی (تیر ۹۶)

اسد طاهری

بس است اشک تمساح ریختن!

مرگ تاسف برانگیز مریم میرزاخانی پروفیسور دانشگاه استنفورد و تنها زن دریافت کننده مدال فیلدز در رشته ریاضیات، بازتاب جهانی گسترده ای داشت. کارگزاران جمهوری اسلامی اصولگرا و اصلاح طلب صف کشیدند تا از مردم عقب نیفتند و درگذشت او را تسلیت گفتند. این در حالی است که با روسری فراری اش دادند، به فرزندش ملیت ایرانی ندادند، شوهرش را به رسمیت نشناختند و نبوغش را غربی نامیدند.

رسانه های رسمی برای انتشار عکس او در خبر درگذشت اش راه احتیاط را در پیش گرفتند. تصویر او را به شکلی منتشر کردند که موهایش کمتر دیده شود یا اصلا دیده نشود و به هر نحو ممکن بی حجاب به نظر نرسد. بسیاری نیز از انتشار تصویر او صرف نظر کردند.

اگر خانم میرزاخانی با موی کوتاه بدون روسری در ایران زندگی می کرد، بی تردید دستگیر می شد و او را حتی در اتوموبیلش هم راحت نمی گذاشتند. مریم میرزاخانی برای سفر حتما باید اجازه شوهر را می داشت و اگر قصد رفتن به استادیوم و دیدن تیم مورد علاقه اش را می کرد، به استادیوم راه داده نمی شد.

پس دیگر بس است اشک تمساح ریختن!

کاهش سهم زنان در بازار کار ایران

گزارشها نشان می دهد که سهم زنان در بازار کار در فاصله سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ حدود ۵۰۰ هزار نفر کم شده است. یعنی به طور متوسط سالانه ۵۰ هزار زن شغل خود را از دست داده اند.

گزارشهای مرکز آمار ایران نشان می دهد که در سال ۱۳۹۴ از مجموع ۲۲ میلیون شاغل در ایران، تنها نزدیک به سه میلیون و ۵۰۰ هزار نفرشان زن بودند.

مقایسه این آمار با ده سال پیشتر یعنی سال ۱۳۸۴، واقعیت دیگری را آشکار می کند و آن این که با گذشت ده سال، نه تنها به تعداد شاغلان زن افزوده نشده، بلکه در مدت ۵۰۰ هزار نفر از تعداد آنها کاسته شده است. بنابر آمارهای مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۸۴ تعداد شاغلان زن نزدیک به چهار میلیون نفر بود.



این

روند اشتغال در فاصله سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ به گونه ای بوده که در سال ۱۳۸۴ در مقابل هر ۴۲۰ مرد شاغل، ۱۰۰ زن شاغل وجود داشت که این نسبت در سال ۱۳۹۴ به ۵۳۴ مرد شاغل در مقابل ۱۰۰ زن شاغل رسیده است.

بیکاری جوانان از جمله مهمترین مشکلات اقتصادی ایران است. بررسی این مساله بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله نشان می دهد که نرخ بیکاری این گروه سنی در سال ۱۳۸۴ برای مردان بیشتر از ۲۰ درصد و برای زنان بیشتر از ۳۲ درصد بوده است در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۴ برای مردان بیشتر از ۲۲ درصد و برای زنان نزدیک به ۴۳ درصد رسیده است، یعنی نرخ بیکاری زنان جوان نزدیک به دو برابر بیکاری مردان جوان رسیده است.

اسرائیل طرح نیایش زنان در کنار مردان در پای دیوار ندبه را لغو کرد

دولت بنیامین نتانیاهو طرح مربوط به اجازه نیایش زنان در کنار مردان در پای دیوار ندبه را لغو کرد. دیوار ندبه مقدس ترین نیایشگاه یهودیان است و اداره امور آن به عهده یکی از سنتی ترین مراجع مذهبی اسرائیل است که عبادت زنان و مردان در کنار هم را ممنوع می داند و فقط بخش کوچکی از دیوار را به زنان اختصاص داده است.



تصمیم دولت خشم زنانی را برانگیخته که در ۲۷ سال گذشته برای حق عبادت در کنار مردان تلاش کرده اند و هر ماه به عنوان اعتراض در مقابل دیوار تجمع کرده و گاهی کارشان به درگیری با پلیس یا بازداشت کشیده است. این فعالان همچنین خواهان لغو ممنوعیت دعا خواندن زنان با صدای بلند و ممنوعیت خواندن تورات هستند.

نزدیک به پنج ماه پیش تلاش گروهها و نهادهای

مختلف و رایزنی گروههای میانجی برای راضی کردن سنت گرایان افراطی به نتیجه رسید و دولت اسرائیل طرح ایجاد یک محوطه رسمی مشترک برای زنان و مردان را در پای دیوار ندبه تصویب کرد.

اما سنت گرایان افراطی تاکنون مانع از اجرای آن شدند و اکنون دولت اسرائیل طرح تصویب شده را لغو کرده و احتمالاً به دنبال ارائه طرح دیگری خواهد بود.



توهین و آزار جدید برای "بدحجابها"

یک مقام قضایی استان فارس از تشکیل کلاسهای آموزشی برای دستگیرشدگان به اتهام بدحجابی خبر داد.

اسماعیل اکبری، چهارشنبه ۷ تیرماه گفت: "در راستای ممانعت از سابقه دار شدن مرتکبان برخی جرایم، کسانی که به اتهام بدحجابی بازداشت شوند، به جای معرفی به دادگاهها به معاونت پیشگیری از جرم معرفی شده و در یک کلاس ۸ ساعته آموزشی شرکت خواهند کرد."

اکثریت شرکت کنندگان کنکور سراسری در سال ۹۶ زن هستند

بیش از ۶۰ درصد از نزدیک به یک میلیون داوطلب کنکور ۹۶ را زنان تشکیل می دهند. تغییر ترکیب جنسیتی داوطلبان



و آمار قبول شدگان کنکور به نفع زنان در دهه گذشته از تحولات اصلی آموزش عالی در ایران است. برخی کارشناسان این تغییر را مثبت و نشانه پویایی و بالندگی نسل تازه زنان ایرانی می دانند، اما برخی مراکز تصمیم گیری خواستار اعمال تبعیض جنسیتی و کنترل ورود نسل جوان زنان ایرانی به دانشگاه شده اند.

به گفته سازمان سنجش آموزش عالی، میزان کلی شرکت در

کنکور ۹۶ نسبت به سال گذشته، نزدیک به ۸ درصد افزایش داشته است. این افزایش در حالی است که ظرفیت پذیرش آموزش عالی در ایران، نسبت به سال گذشته تغییری نکرده. این به معنی دشوار تر شدن رقابت برای ورود به دانشگاههاست.

فعالان زن افغانستان در راه مبارزه علیه تبعیض به هم پیوستند

از انفجار کابل که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان افغانستانی شد، مدت زمان زیادی نمی گذرد. یکی از گروههایی که این اقدام تروریستی را محکوم کرد "حرکت انسجام زنان مبارز افغانستان" است؛ گروهی که خواستار حضور



زنان در عرصه های تصمیمی سازی برای ریشه کن کردن تروریسم از افغانستان است. این حرکت که چند ماهی است تشکیل شده، در نظر دارد مرکزی برای کمک به زنان رنج دیده سرزمین افغانستان باشد.

فرشته نوری یکی از فعالان زن افغانستان در این مورد می گوید: "تعدادی از زنان در داخل و خارج کشور از مدتها بدین سو در فکر ایجاد ساختار ویژه ای برای مبارزه در برابر بی عدالتی علیه زنان در افغانستان بودند. این تعداد از زنان چه با سفر به کشور و دیدار با زنان در داخل و چه از طریق تبادل افکار از راه صفحات اجتماعی مجازی و مجالس صوتی و تصویری از راه دور، توانستند تا ارتباط لازم را تامین کرده و یک

همگرایی کلی را به وجود آورند." او می افزاید: "هدف اصلی و کلی از ایجاد انسجام زنان مبارز افغانستان، مبارزه برای تثبیت و نهادینه شدن حقوق اساسی و جایگاه شایسته زنان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و پایان دادن به هر نوع بی عدالتی جنسیتی در افغانستان است؛ اما آوردن اصلاحات در تمام عرصه های کشور، مبارزه علیه ناامنی، فساد، فقر، بیکاری، بیسوادی، انحصارگری، افراطی گری و ارتقای سطح خدمات اجتماعی نیز از اهداف فرعی انسجام است." در حال حاضر نزدیک به ۲۰۰ تن از زنان به عضویت انسجام در آمدند و بعد از اعلان موجودیت، روند پیوستن زنان به آن نیز ادامه دارد.

برای اولین بار یک زن به عنوان سرپرست ایران ایر معرفی شد



وزیر راه و شهرسازی، فرزانه شرفبافی را به عنوان سرپرست جدید شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی (هما) معرفی کرده است. خانم شرفبافی پیش از این عضو هیات مدیره و رییس مرکز آموزش و بهسازی منابع انسانی و تنها عضو زن در هیات مدیره "ایران ایر" بود. او که ۴۴ سال سن دارد، اولین زنی است که به سرپرستی شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران می رسد. عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی، در حکم خانم شرفبافی به "مراتب دانش، تعهد، تخصص و تجربه های ارزنده" او در صنعت هوایی ایران اشاره کرده است.

زنان ایران مقررات حجاب در خودروها را به چالش می کشند



روزنامه گاردین نوشت: شمار فزاینده ای از زنان ایران از به سر کردن حجاب در حال رانندگی خودداری می کنند. این تحرک باعث شده است که بحثی داغ بر سر خصوصی بودن یا نبودن حریم داخل خودرو در سراسر ایران در گیرد. هادی صادقی، معاون فرهنگی قوه قضاییه، گفته است: "بخش پنهان مانند صندوق عقب به عنوان حریم خصوصی تلقی می شود و این مفهوم شامل جایی که سرنشینان خودرو می نشینند نمی شود."

این صحبت در رسانه های اجتماعی واکنشهای فراوانی به همراه داشت. یک زوج، تصویری از در آغوش کشیدن یکدیگر در صندوق عقب منتشر کردند. کاربر دیگری در یک توییت نوشت: «بیچاره ما "هاجک" دارها، نه صندوق عقب داریم، نه حریم خصوصی!»

کشمکش بین زنان و نیروی انتظامی بر سر حجاب اجباری به ویژه در تابستان و فصل گرما اوج می گیرد. با وجودی که نیروی انتظامی به طور معمول زنان را جریمه یا حتی خودروی شان را توقیف می کند، ولی مقاومتها ادامه دارد.

منابع:

ایسنا، بی بی سی، صدای آمریکا، بیدار زنی

دانشگاه در ماهی که گذشت (تیر ۹۶)

کامران عالمی نژاد

کمپین اعتراضی دانشجویان دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه

نزول سطح علمی و سقوط کیفیت آموزش ارتباطات و روزنامه نگاری در دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه، موجب اعتراض، تجمع و کمپین دانشجویان شد.

عده ای از دانشجویان دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه با تشکیل کمپینی به برخی موارد از جمله افت کیفیت آموزش، افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و تدریس دانشجویان دوره دکتری در مقطع کارشناسی در دانشکده اعتراض کردند.

در این راستا یکی از دانشجویان گفت: "بر اساس دفترچه پذیرش سال ۹۶، ظرفیت پذیرش دانشجو برای دوره روزانه در هر یک از رشته های ارتباطات، روزنامه نگاری و مدیریت رسانه، ۱۸ نفر اعلام شده در حالی که در دفترچه سال ۹۵ هر یک از این رشته ها برای هر دوره (روزانه و شبانه) ۲۱ نفر بوده است و همچنین در سال ۹۴ نیز در هر یک از رشته ها ۲۱ نفر برای دوره روزانه و ۲۱ نفر نیز برای دانشجویان شبانه ذکر شده و دانشجویان این دانشکده کمپینی برای اعتراض به موارد مذکور تشکیل داده اند."

دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه تا چند سال پیش مرکز اصلی و برتر این آموزش بود؛ عنوانی که چند سالی است به علت افت کیفیت علمی و آموزشی، ضعف هیات علمی و به کار گیری استادان ضعیف و کم دانش، سفارشی و فاقد انگیزه علمی از دست داده است.

در واکنش به اعتراض دانشجویان دانشکده ارتباطات علامه، رییس این دانشکده روز ۳ تیر ماه گفت: "هیچ کدام از ادعاهای دانشجویان مستند و منطقی نیست و اگر هر دانشجویی در خصوص ادعای خود مدرکی دارد، آن را به دانشگاه ارائه دهد."

اعتراض در سلف دانشگاه یاسوج

دانشجویان شورای صنفی دانشگاه دولتی یاسوج روز ۵ تیر نسبت به وضعیت سلف دانشگاه اعتراض کردند.

خبرهای رسیده حاکی از آن است که دانشگاه به خاطر روزهای تعطیل، از دادن شام به دانشجویان سر باز زده است. اعتراض دانشجویان این دانشگاه برای اولین بار نبوده و در سالهای گذشته اعتراضاتی مبنی بر پایین بودن کیفیت غذا صورت گرفته است.



تجمع دستیاران جراحی شیراز در اعتراض به پیگرد همکاران

در پی احضار گسترده دستیاران پاتولوژی کشور، دستیاران رشته جراحی عمومی شیراز با تجمع در دانشکده پزشکی شیراز ضمن محکوم کردن احضار و صدور حکم علیه دستیاران پاتولوژی، خواستار پاسخ منطقی وزارت بهداشت به خواسته های پاتولوژیستها شدند.

صبح روز چهارشنبه ۷ تیر دستیاران رشته جراحی عمومی شیراز با تجمع در دانشکده پزشکی این شهر، اعتراض خود را به احضار گسترده دستیاران



پاتولوژی ابراز کردند. تجمع کنندگان گفتند: "دستیاران پاتولوژی مورد حمایت همه جامعه پزشکی هستند و چنانچه وزارت بهداشت با خواسته های آنان موافقت نکند، با اعتراضات شدیدتر تمام جامعه پزشکی مواجه خواهد شد." خاطرنشان می شود در پی اعتراضات دستیاران پاتولوژی به یکی از آیین نامه های وزارت بهداشت، تعداد زیادی از دستیاران این رشته در سراسر کشور توسط کمیته های انضباطی احضار شدند. یکی از دستیاران حاضر در این تجمع گفت: "دستیاران پاتولوژی طی یک ماه گذشته اعتراضات خود را به صورت قانونی و مشروع بیان کرده اند و برخوردهای وزارت بهداشت با این درخواستهای صنفی برای جامعه پزشکی قابل پذیرش نیست."

مرگ مشکوک یک دختر دانشجوی کرد در سنندج

یک دختر دانشجوی گُرد اهل ایلام در خوابگاه دانشگاه کردستان به طرز مشکوکی جان خود را از دست داد.



روز پنجشنبه ۸ تیرماه، جسد یک دختر دانشجوی کرد به نام زهرا علیدوستی، اهل ایلام، در خوابگاه دخترانه دانشگاه کردستان پیدا شد. مسوولان دانشگاه دلیل مرگ این دانشجوی ایلامی را "سکته قلبی" اعلام کرده اند، اما دوستان این دانشجو با اطمینان از قتل وی خبر می دهند. تاکنون جزییات و دلیل مرگ این دانشجوی کرد از سوی پزشکی قانونی اعلام نشده است. گفته می شود، هنگام روی دادن این حادثه، هیچکدام از هم اتاقیهای این دانشجوی ایلامی در خوابگاه حضور نداشته اند.

رسانه های حکومتی نیز دلیل مرگ این دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک دانشگاه کردستان را "نامعلوم" اعلام کرده اند. سحر چوینی، شیدا حاتمی، شیلان روشن دل و سیران مجیدی چهار دانشجوی دیگر کرد می باشند که به طرز مشکوکی در دانشگاه های تهران، همدان و ارومیه جان خود را از دست داده اند.

وعده بی محل برای رفع فیلتر یوتیوب و بلاگ اسپات برای دانشگاهیان

مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت از رایزنی با دادستانی کل کشور برای فیلتر زدایی از بلاگ اسپات و یوتیوب ویژه دانشگاهیان خبر داد.

محمدجواد جهرمی صبح روز ۱۱ تیر گفت: "یکی از اعتراضهایی که دانشجویان و اساتید دارند، درباره استفاده از یوتیوب، بلاگ اسپات و رفع فیلتر زدایی از آنها است که ما در این رابطه مذاکراتی با دادستان کل کشور داشتیم تا شرایط ایجاد شود که دانشگاهیان بتوانند از یوتیوب و بلاگ اسپات استفاده کنند. البته تصمیم گیری آن در جای دیگر است." مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت خاطرنشان کرد: "یکی از مهمترین نقشهای دانشگاه ها در رابطه با شبکه علمی کشور، تولید محتوا است و ما امیدواریم دانشگاهیان برای این شبکه محتواهای بومی و فاخری را تولید کنند."

تجمع دانشجویان دانشگاه خوارزمی در اعتراض به جابجایی خوابگاه

جمعی از دانشجویان پسر دانشگاه خوارزمی روز ۱۱ تیر در اعتراض به جابجایی خوابگاه خود روبروی دانشگاه خوارزمی تجمع کردند.

یکی از دانشجویان دکتری حقوق این دانشگاه اظهار کرد: "به دانشجویان پسر دانشگاه خوارزمی در حال حاضر خوابگاهی در خیابان لاله زار اختصاص داده شده است که هم از جهت نزدیکی به دانشگاه و هم از نظر کیفیت بسیار مناسب است."



وی با اشاره به اینکه در حال حاضر در این خوابگاه حدود ۶۰۰ دانشجوی مستقر هستند گفت: "مسوولان دانشگاه قصد دارند که دانشجویان پسر را از این مکان به خوابگاه دیگری منتقل کنند و آن را به خوابگاه دخترانه اختصاص دهند که ما به این موضوع و تغییر مکان خوابگاه پسرانه اعتراض داریم و خواهان تجدیدنظر در این موضوع هستیم."

این دانشجوی معترض یادآور شد مسوولان دانشگاه به بهانه جلوگیری از زیاد شدن فساد در خوابگاه دخترانه تصمیم به جابجایی خوابگاه گرفته اند و اظهار می کنند که با آوردن دختران دانشجو در این خوابگاه، کنترل بیشتری روی آنان خواهند داشت.

در پاسخ به اعتراض دانشجویان، دکتر سبحان الهی، رییس دانشگاه خوارزمی، گفت: "هنوز تصمیم قطعی در مورد جابجایی خوابگاه گرفته نشده."

وی ادامه داد: "اعتراض دانشجویان تاثیری در اصل موضوع ندارد و ما هر تصمیمی که به مصلحت دانشگاه باشد، اتخاذ می کنیم."

تجمع دانشجویان پژوهشگاه شاخص پژوه مقابل وزارت علوم

حدود ۶۰ نفر از اعضای هیات علمی و دانشجویان پژوهشگاه شاخص پژوه اصفهان روز ۱۳ تیر در مقابل ساختمان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار مشخص کردن وضع فعالیت پژوهشگاه هستند.

پژوهشگاه شاخص پژوه در سال ۹۱ به تصویب وزارت علوم و هیات امنای دانشگاه اصفهان رسید، اما وزارت علوم دولت جدید بدون خبر قبلی و از طریق اعلام در رسانه ها آن را منحل کرد.

هم اکنون ده ها تن از دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی ارشد و دکتری که درس آنها به اتمام رسیده، با تعلیق اعطای دانش نامه های خود توسط وزارت علوم روبرو هستند.

مجتبی شریعتی نیا، معاون آموزشی وزیر علوم، حاضر به پاسخگویی به تجمع کنندگان نشد و اعلام کرد: "در صورتی که فرصت کنم، ساعت ۵ بعد از ظهر امروز با شما صحبت خواهیم کرد."



تجمع همزمان دستیاران پاتولوژی در چند شهر

در پی احضار گسترده و صدور احکام سنگین علیه دستیاران پاتولوژی، دستیاران سایر رشته های چند دانشگاه علوم پزشکی کشور، روز، پنجشنبه ۱۵ تیرماه، در تجمعات جداگانه ای برخوردارهای وزارت بهداشت را محکوم کرده و خواستار لغو احکام صادر شده و رسیدگی به درخواستهای صنفی دستیاران پاتولوژی شدند.

در این تجمعات دستیاران و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، دستیاران دانشگاه علوم پزشکی مشهد و دستیاران دانشگاه علوم پزشکی بهشتی شرکت داشتند

اعتراض شبانه دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران به کیفیت و زمان توزیع غذا



جمعی از دانشجویان خوابگاه امام علی دانشگاه علوم پزشکی ایران در اعتراض به "کیفیت پایین غذا و ناهماهنگی زمانی توزیع آن"، سه شنبه شب (۲۰ تیر) تجمع کرده و خواستار رسیدگی مسوولان به مشکلات مذکور شدند.

اعتراض بسیجیان دانشگاه امیرکبیر به "اختلاط" در جشن فارغ التحصیلی

بسیجیان مستقر در دانشگاه صنعتی امیرکبیر در بیانیه ای که روز ۲۵ تیر منتشر کردند، نسبت به آنچه که "رفتارهای نامناسب شامل اختلاط و روابط نامناسب" نامیدند، اعتراض کردند. بسیجیان نوشتند: "در جشن فارغ التحصیلی اخیر دانشگاه، تصاویر نامناسبی از اختلاط و روابط نامناسب به طور گسترده منتشر شد که متأسفانه مبین رفتار دور از شان و منزلت دانشگاهی و خلاف موازین قانونی و شرعی می باشد." بسیجیان مدیریت دانشگاه را به "تقبیح اینگونه برنامه ها" فراخواندند و خواستار برخورد با عاملان جشن فارغ التحصیلی شدند.

تجمع دانشجویان و فارغ التحصیلان گنجینه هنر و معماری کرمانشاه

روز دوشنبه ۲۶ تیر، جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان موسسه آموزش عالی گنجینه هنر و معماری کرمانشاه در اعتراض به نبود امکانات و بلا تکلیفی وضعیت تحصیلی خود دست به تجمع زدند. به گفته دانشجویان معترض، وضعیت اسفناک این موسسه برای آنها غیر قابل تحمل است و آنها با دادن شهریه بالا از کمترین امکانات آموزشی برخوردارند. گفتنی است این دانشجویان چندی پیش نیز در اعتراض به وضعیت نامناسب این موسسه آموزشی مقابل استانداری تجمع کرده بودند، ولی در پی بی توجهی مقامات، تجمع خود را مقابل دانشگاه مادر (دانشگاه رازی) ادامه دادند. تاکنون هیچ مقامی جوابگوی خواست دانشجویان نبوده است.

منابع:

ایسنا، زاگرس آن لاین، جوانه ها، پیک دانشجو، خبرگزاری تسنیم، روژه لات، خبرگزاری مهر، انصاف نیوز، خبرگزاری صدا و سیما، کردپا

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

کارورزان سلامت (تیر ۹۶)

امید برهانی

مطالبات بیمه ای بسیاری از بیمارستانها پرداخت نشده

حسینعلی شهریاری، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، گفت: "مطالبات بسیاری از بیمارستانهای دولتی و خصوصی به مدت ۱۰ الی ۱۲ ماه به تعویق افتاده، زیرا بیمه ها از منابع کافی برای پرداخت بدهی مراکز درمانی برخوردار نیستند." وی با تاکید بر اینکه بیمه های سلامت ایرانیان، تامین اجتماعی و سایر بیمه های تکمیلی با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند، ادامه داد: "تا زمانی که بیمه ها به عنوان صندوق توزیع منابع مالی مطرح نشوند، نباید امیدی به پرداخت بدهی آنها داشت." شهریاری با بیان اینکه مشکلات بیمه ای و مراکز درمانی طرح تحول سلامت را با شکست مواجه می کند، تصریح کرد: "اگر این طرح شکست بخورد، بحرانی بزرگ برای دولت به شمار می رود از این رو باید منابع مالی آن تامین شود."



تعیین تعرفه پرستاری در منزل با فراز و نشیب

معاون سازمان نظام پرستاری کشور روز ۳ تیر در باره اعلام نرخ تعرفه های خدمات پرستاری در منزل گفت: "سرانجام پس از کش و قوسهای فراوان، تعرفه خدمات پرستاری در منزل اعلام شد که البته فقط برای ۲۷ خدمت پرستاری در منزل تعرفه تعریف شده است و معلوم نیست تکلیف بقیه خدماتی که در حال حاضر پرستاران در منزل ارائه می دهند، چه می شود."

محمد شریفی مقدم افزود: "نکته دیگری که در این مصوبه به چشم می خورد، تعیین نرخ یکسان در سراسر کشور است، در حالی که به لحاظ جغرافیایی، تفاوتی بین شهرهای کوچک، شهرهای بزرگ و کلانشهرهای کشور وجود دارد که می بایست مورد توجه قرار گیرد."

وی افزود: "برای مراقبت از بیمار معمولی، ساعتی ۱۵ هزار تومان در نظر گرفته اند، در حالی که با این تعرفه هیچ پرستاری حاضر به خدمت در منزل نمی شود. از این رقم، ۱۰ درصد مالیات و ۲۰ درصد حق مراکز مشاوره پرستاری کسر می شود که عدد باقی مانده ۱۱ هزار و ۵۵۰ تومان می شود که اگر در ۱۱۵ ساعت کارکرد ماهانه پرستار ضرب کنیم، رقمی که به دست می آید، در حدود یک فقط میلیون و ۳۳۰ هزار تومان است."

شریفی مقدم همچنین گفت: "موضوع مهم در تصویب تعرفه خدمات پرستاری در منزل، پوشش بیمه ای است که در این مصوبه نیامده است. اگر قرار بر این بوده که خدمات بیمه نباشند، چه نیازی به تصویب آنها بوده و اینکه مردم به امید بیمه شدن خدمات پرستاری بودند که بتوانند هزینه های آنها را کاهش دهد. در غیر این صورت، مردم با این تعرفه ها به سراغ خدمات پرستاری در منزل نمی روند."

عقب نشینی دولت از بیمه رایگان

طبق آمارهای رسمی دولت، بیش از ۱۰,۵ میلیون نفر تحت پوشش بیمه سلامت قرار گرفته اند که پیش بینی شود این تعداد به ۸,۵ میلیون نفر کاهش یابد.

به گفته کاظم میکائیلی، سرپرست دفتر بیمه های سلامت وزارت کار و



رفاه اجتماعی، قرار است با انجام آزمون وسیع و براساس پایگاه داده‌هایی که در اختیار وزارت رفاه است، بیمه رایگان نزدیک به ۱۰۵ میلیون نفر قطع شود.

طبق مصوبه اخیر هیات وزیران که اصلاحیه‌ای بر طرح بیمه همگانی رایگان است، افرادی که دارای توانمندی مالی هستند، باید به تشخیص آزمون وسیع، از ۱۵ تا ۱۰۰ درصد حق بیمه سلامت را پرداخت کنند. سرپرست دفتر بیمه‌های سلامت وزارت رفاه درباره بقیه افرادی که تحت پوشش بیمه رایگان سلامت هستند نیز با بیان اینکه یارانه نقدی ۵۰۰ هزار نفر از این افراد به دلیل وسیع مالی قطع شده گفت: "گروه سوم هم درآمدهای معقولی دارند و براین اساس از این دو گروه، با توجه به آزمون وسیع، حق بیمه دریافت خواهد شد که از ۱۵ تا ۱۰۰ درصد متغیر است." بر این اساس، حق بیمه سالانه افرادی که دارای وسیع مالی معقولی هستند اما می‌خواهند تحت پوشش بیمه سلامت باقی بمانند، از ۶۰ تا ۴۰۰ هزار تومان خواهد بود.

کوچک سازی دولت و تشدید فشار کاری پرستاران

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت: "متأسفانه با کمبود شدید پرستار در کشور روبه‌رو هستیم این در حالی است که با اجرای طرح تحول سلامت و افزایش تخت‌های بیمارستانی فشار کاری آنها دو برابر شد که در نتیجه این فشار کاری، سالانه تعدادی از آنان جان خود را از دست می‌دهند."

احمد حمزه افزود: "هر چند سالانه تعداد زیادی از نیروها بازنشسته می‌شوند، اما متأسفانه سازمان امور استخدامی مجوز جذب نیرو را نمی‌دهد، این در حالی است که تعداد تخت‌های بیمارستانی افزایش یافته و شبکه بهداشت و درمان در حال گسترش است."

وی یادآور شد: "در دولت یازدهم ۲۱ هزار تخت به تخت‌های بیمارستانی اضافه شده است. علاوه بر این، در سال‌های اخیر اقداماتی مانند احداث بیمارستان و مراکز درمانی، توسعه بخش‌های بیمارستانی، گسترش واحدهای بهداشتی و درمانی در سطح روستاها و گسترش خانه‌های بهداشت در حوزه بهداشت و درمان کشور انجام شد، اما نیروی انسانی لازم جذب نشد و سازمان امور اداری و استخدامی جلوی به‌کارگیری نیرو را گرفته است."

وی هشدار داد: "هر چند طبق برنامه پنجم، سیاست کوچک‌سازی باید در مورد تمامی نهادها اعمال شود، اما در بخش سلامت، آموزش و امنیت کشور منطقی نیست که چنین سیاستی را اعمال کرد، زیرا این موضوع با جان انسانها سروکار داشته و سلامت مردم را نشانه می‌رود."

کمبود پرستار بیداد می‌کند / یک پرستار برای چهار نوزاد



یک عضو شورای عالی سازمان نظام پرستاری کشور، وضعیت نیروهای پرستاری در مقایسه با تعداد بیماران بستری در بخش مراقبتهای ویژه بیمارستانهای شهرستانها را بحرانی خواند.

مسعود مجرد اظهار داشت: "بخش NICU مرکز آموزشی درمانی مطهری ارومیه دارای ۲۴ تخت با قابلیت افزایش ۴۸ بیمار به صورت روتین و حتی ۳ برابر شدن تعداد بیماران در مواقع اضطراری است."

وی افزود: "هیچ تناسبی بین بیمار و پرستار وجود ندارد و

متأسفانه با وجود اعتراضات مکرر پرسنل، هیچ مسوولی پاسخگوی مشکلات موجود نیست. در کجای دنیا می‌توان شاهد بود که پرستار مسوولیت مراقبت از ۴ بیمار نوزاد بستری را بر عهده داشته باشد؟"

مجرد تاکید کرد: عدم تناسب بیمار به پرستار به رغم فشار کاری مضاعف بر پرستاران موجب اختلال در خدمت رسانی مناسب به بیماران و مددجویان خواهد شد و ضریب اشتباه تیم درمانی را بالا می برد." وی همچنین افزود " در این مرکز درمانی به رغم فشار کاری بیش از حد، حدود ۸ ماه کارانه پرسنل و ۴ ماه اضافه کاری آنها پرداخت نشده است."

بیانیه ۴۲ شورای دانشجویی پرستاری سراسر کشور پیرامون طرح تربیت پرستاری

۴۲ شورای دانشجویی هیات مدیره های نظام پرستاری سراسر کشور در بیانیه ای که روز شنبه ۱۷ تیر منتشر کردند، نسبت به پیامدهای طرح دولتی تربیت پرستار بیمارستانی هشدار دادند. در این بیانیه گفته شده: "مدتی است که به بهانه کمبود کادر پرستاری و با مطرح کردن طرح تربیت پرستار بیمارستانی، در صدد اضمحلال پرستار آکادمیک برآمده اند. وزارت بهداشت کمبود کادر پرستاری را بهانه قرار داده تا با طرح استثماری پرستار بیمارستانی، پرستاری با سابقه یک صد ساله از حالت آکادمیک خارج نماید و با تربیت پرستاران غیر دانشگاهی وابسته، تسلیم، گوش به فرمان، کم توقع، بی سواد و ارزان قیمت و در حقیقت با تضعیف و تحقیر پرستاری و برداشتن پرستاری به عنوان مانع، به اهداف توسعه طلبانه سیستم پزشکی سالار جامعه عمل بپوشاند." دانشجویان از وزارت بهداشت خواستار "خارج کردن هر چه زودتر این طرح جنجال برانگیز از دستور کار" شده و تاکید کرده اند: "جامعه دانشجویی کشور با هوشیاری کامل این موضوع را رصد خواهد کرد و به هر شکل ممکن از کیان پرستاری دفاع خواهد نمود و اجازه نخواهد داد سابقه یکصد ساله آکادمیک پرستاری دچار مشکل شود و با هر هزینه ای در مقابل آن مقاومت خواهد کرد."

اعتراض دانشجویان دانشکده پرستاری بهشتی به آیین نامه های جدید وزارت بهداشت



صبح روز دوشنبه ۱۹ تیر، دانشجویان دانشکده پرستاری دانشگاه بهشتی در اعتراض به ابلاغیه جدید وزارت بهداشت در مورد تربیت پرستار در بیمارستان، ضمن تحریم امتحانات تجمع کردند.

در این آیین نامه ها که به امضای وزیر بهداشت رسیده، بیمارستانها متولی تربیت دانشجوی پرستاری شدند و دانشکده ها فقط باید با آنها همکاری کنند. در اصل اما این

دانشکده ها هستند که متولی تربیت دانشجوی پرستاری هستند.

با افزایش ظرفیتها و پذیرش بی رویه دانشجو پرستاری در دانشکده ها، کمبود کادر آموزشی مناسب و اساتید هیات علمی و همچنین نبود فضای آموزشی مناسب، کیفیت آموزش پرستاری کاهش یافته و باعث به خطر افتادن سلامت مردم در بیمارستانها و مراکز درمانی می شود. از سوی دیگر، با توجه به این که شرایط لازم برای جذب پرستار بیشتر در بیمارستانها وجود ندارد، این امر سبب افزایش بیکاری و در خطر انداختن آینده کاری دانشجویان پرستاری خواهد شد. دکتر عباس زاده، رییس دانشکده پرستاری بهشتی و دبیر بورد پرستاری وزارت بهداشت، ضمن ندادن پاسخ مناسب به معترضان، آنها را به سیاسی کاری و فعالیت جناحی متهم کرد و از جمع دانشجویان معترض خارج شد.

تجمع اعتراضی دانشجویان پرستاری زنجان



تعدادی از دانشجویان رشته پرستاری استان زنجان در اعتراض به سیاست و طرح تربیت پرستاری بیمارستانی پیش از ظهر ۲۲ تیر، مقابل درب ستاد دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. بی عدالتی در پرداختها، نپرداختن معوقاتی که هشت ماه از زمان آنها می گذرد، در نظر نگرفتن ساعات بهره وری در شیفتهای موظف و سیاست تربیت پرستار بیمارستانی از دلایل اعتراض این دانشجویان بود.

یکی از معترضان گفت: "با اجرایی شدن طرح تربیت پرستار، بیمارستانها محوریت کار قرار می گیرند و رشته پرستاری از آکادمیک بودن و دانشگاه ها از محوریت خارج می شوند." این دانشجوی افزود: "در حال حاضر بیشتر نهادها و انجمنهای پرستاری کشور نسبت به این طرح معترض هستند."

تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان کوثر سمنان مقابل استانداری

جمع کثیری از پرستاران بیمارستان کوثر سمنان امروز ۲۸ تیر، با تجمع مقابل استانداری سمنان نسبت به پرداخت نشدن مطالبات خود اعتراض کردند.



پرستاران حاضر در این تجمع نوشته هایی با مضمون "مطالبات ۱۱ ماهه پرسنلی کجاست؟" به دست داشتند. این پرستاران که بیشتر آنان را زنان تشکیل می دادند، با شعار "ای شادانوش نمونه، ساخت و ساز و رها کن، حق ما رو ادا کن"، خواستار پیگیری مطالبات خود از سوی رییس دانشگاه علوم پزشکی استان شدند.

یکی از پرستاران معترض گفت: "متأسفانه پولهایی که باید به

پرسنل درمان بیمارستان پرداخت شود، برای ساخت و ساز صرف می شود. ما در این اعتراض خواستار ورود مقامات ارشد استان به موضوع مطالبات چندین ماهه پرستاران هستیم."

تجمع اعتراضی پرستاران در شرایطی برگزار می شود که سید حسن قاضی زاده هاشمی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جمعه این هفته (۳۰ تیر) به استان سمنان سفر می کند.

منابع: خبرگزاری مهر، بهداشت نیوز، نظام پرستاری تهران، خبرگزاری فارس، مرآت

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

چالشهای معلمان در تیر ماه (۹۶)

فرنگیس بایقره

تشکلهای صنفی معلمان در سقز و مریوان خواستار لغو حکم طاهر قادرزاده شدند



انجمنهای صنفی معلمان کردستان در سقز و مریوان روز اول مرداد با صدور بیانیه‌هایی جداگانه خواستار لغو حکم صادره علیه آقای طاهر قادرزاده شدند.

انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز) در قسمتی از بیانیه منتشره خود آورده است: "بحران کنونی آموزش و پرورش یکی از هولناک‌ترین بحرانهای جامعه ماست. آشکار است که این بحران با تمام زوایای زندگی اجتماعی و فرهنگی ما پیوستگی ارگانیک دارد. روند رو به رشد خصوصی سازی مدارس، قانون متمایز کردن فرد موفق از ناموفق، نردبانی کردن و تقسیم بندی انسانها از بالا به پایین روحیه ای تبعیض آمیز است که تا حد زیادی با فراهم سازی بستر آموزش یکسان و عادلانه برای تربیت فرزندان این مرز و بوم در تضاد آشکار است. برای کاستن از آسیبهای اجتماعی چنین بستر آموزشی غیر عادلانه ای، معلمان دلسوز این دیار

با از خودگذشتگی و ایثار در جهت اصلاح امور قدم در میدان گذاشته و خواهان اصلاح این وضعیت ناعادلانه شده اند. از آن جمله تلاشهای مستمر و دلسوزانه معلمینی همچون آقای طاهر قادرزاده جهت کاستن از مشکلات موجود آموزش و پرورش است که به جای تقدیر شدن، با پرونده سازی و صدور حکم قضایی روبرو شده است."

همزمان با این بیانیه، انجمن صنفی معلمان کردستان (مریوان) نیز به صدور بیانیه ای مشابه مبادرت کرد. این تشکل صنفی با انتقاد از حکم صادره برای آقایان طاهر قادرزاده و همینطور محسن عمرانی (معلم و فعال صنفی زندانی در بوشهر)، خواستار بازنگری در این رویه شد.

این تشکل در بیانیه خود اشاره کرد "انجمن صنفی معلمان استان کردستان - مریوان ضمن تاکید بر حق ایجاد تشکلهای صنفی مستقل معلمان و رفع موانع برگزاری مجمعهای عمومی تشکلهای صنفی معلمان در مناطق مختلف کشور از جمله کردستان، خواستار لغو حکم صادره علیه آقای طاهر قادرزاده و دیگر فعالان صنفی می باشد و بر حق اعتراض جامعه صنفی در جهت توقف صدور چنین احکامی مصر است."

احضار دسته جمعی فعالان فرهنگی و مدنی سقز

به گزارش ۴ مرداد خبرنگاران آزاد کردستان جمعی از معلمان و فعالان مدنی شهرستان سقز که در مراسم نوروزی امسال



این شهرستان شرکت کرده بودند، در هفته گذشته طی احضاریه های کتبی مطلع شده اند که باید ظرف ۵ روز خود را به دادگاه انقلاب سقز معرفی نمایند.

احضار شدگان سلیمان عبدی، دبیر هنرستانهای فنی و حرفه ای سقز، سید علی حسینی، دبیر زبان انگلیسی، محمد عابدی، معلم هنر، دنلیا عابدی، دختر آقای محمد عابدی، دانش آموز، ملاحسن

محمودی، پیش نماز مسجد روستای کانی نیاز، لقمان قریشی، کاشیکار، حسن سلیمی آزاد، نانو و خالد رحیمی، کشاورز، هستند.

اتهام وارده به تمامی احضار شدگان تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی است. این افراد در تاریخ ۳ تا ۵ فروردین ماه امسال نیز پس از برگزاری مراسم نوروز روستای "آیچی" سقز به مراکز امنیتی احضار شده بودند.

همچنین آقای سلیمان عبدی خود را به دادگاه انقلاب معرفی نموده و تفهیم اتهام شده است. اگرچه ایشان کلیه اتهامات وارده را واهی قلمداد نموده، اما در پایان با ضمانت یکی از همکاران فرهنگی خویش و به صورت موقت آزاد شده است.

تجمع اعتراضی معلمان مدارس غیرانتفاعی سراسر کشور مقابل مجلس

صبح روز یکشنبه ۱۱ تیر، بیش از صد نفر از معلمان شاغل در مدارس غیرانتفاعی سراسر کشور در اعتراض به سطح پایین



دستمزد، نداشتن بیمه و بلا تکلیفی استخدامی به تهران آمدند و مقابل مجلس تجمع کردند.

این معلمان که نه از حق بیمه بهره مندند و نه حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار نصیب شان می شود، از شرایط شغلی خود به شدت ناراضی هستند.

یکی از معلمان معترض گفت: "فرق ما با معلمان رسمی چیست؟ ما هم همان کار را انجام می دهیم، اما دستمزدمان از آنها خیلی کمتر است، در تابستان درآمد نداریم و از مزایای بیمه هم محرومیم و این به هیچوجه عادلانه نیست."

این معلم آزاد خواسته خود را جذب در آموزش و پرورش و برخورداری از مزایای دیگر معلمان عنوان کرد. این معلمان که از چند روز پیش در فضای مجازی برای این تجمع هماهنگی کرده بودند، از ساعات ۸ صبح مقابل مجلس جمع شدند.

تجمع مربیان حق التدریس در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل مجلس

ده ها تن از مربیان حق التدریسی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور روز ۱۲ تیر در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل مجلس تجمع کردند. آنها خواستار اجرای صحیح قانون تعیین تکلیف مربیان حق التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور مصوب سال ۹۱ مجلس هستند.

لازم به ذکر است اجرای این قانون با وقفه ای سه ساله در ابتدای سال ۹۴ با برگزاری آزمون کتبی شروع شده، ولی بر خلاف قانون، در دفترچه سازمان سنجش (متولی برگزاری آزمون) شرایطی درج شد که مانع استخدام عده ای از مربیان با تجربه می شود.

همچنین، سازمان در سالهای ۹۲ و ۹۳ به دلیل کمبود بودجه با تعدادی از مربیان خود قرارداد همکاری نبست، اما در زمان برگزاری آزمون، شرط استخدام را همکاری در این دو سال قرار داد.

این مربیان در سالهای ۹۴ و بعد دعوت به همکاری شدند، ولی از استخدام محروم شدند و سازمان این مربیان را "فرآیندی" می نامد و می گوید فرایند استخدام آنها تکمیل نشده و به تازگی از ادامه همکاری آنها جلوگیری کرده است.

تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی کهگیلویه و بویراحمد مقابل استانداری

پیش از ظهر روز دوشنبه ۱۹ تیر، جمعی از مربیان پیش دبستانی استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به وضعیت استخدامی، سطح پایین حقوق و نداشتن بیمه، مقابل استانداری تجمع کردند.

یکی از تجمع کنندگان گفت: "مربیان پیش دبستانی در استان کهگیلویه و بویراحمد از حق بیمه برخوردار نیستند و دارای کد پرسنلی نیستند."



وی حقوق پایین بودن حقوق را از دیگر مشکلات این افراد دانست و افزود: "حقوق برخی مربیان ۱۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان است که با این مبلغ ناچیز نمی توان زندگی کرد. به عنوان یک فرهنگی نمی توانیم بچه هایمان را مدارس فرهنگیان ثبت نام کنیم که انتظار داریم مسوولان استان از ما حمایت کنند." وی تصریح کرد: "هفته گذشته در مقابل مجلس تجمع کردیم که قرار شد به اعتراضات ما رسیدگی و نتیجه را اعلام کنند که تاکنون اقدامی صورت نگرفته است."

یکی دیگر از این مربیان با بیان اینکه مدت هفت سال است به عنوان مربی پیش دبستانی در روستای دورافتاده "لوداب" کار می کند گفت: "با مدرک کارشناسی آموزشی ابتدایی حقوقی که دریافت می کنم ۱۵۰ هزار تومان است." وی با اشاره به اینکه بیش از ۴۰۰ مربی پیش دبستانی در سطح استان با این مشکل مواجه هستند افزود: "امیدواریم مسوولان استان به مشکلات ما رسیدگی کنند، که البته تاکنون ما را پاسکاری کرده اند."

معلمان عدالتخواه ایران: محسن عمرانی، معلم بوشهری را آزاد کنید

محسن عمرانی معلم ۴۰ ساله بوشهری از فعالان صنفی معلمان است. او زمستان ۱۳۹۴ از سوی وزارت اطلاعات بوشهر



بازداشت و پس از یک ماه با سپردن وثیقه آزاد شد. در تیر ۹۵، دادگاه بدوی او را به اتهام "اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام" به ۶ سال حبس محکوم کرد. حکم او در دادگاه تجدید نظر به یک سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از شغل معلمی تبدیل

شد. محسن عمرانی از ۱۳ اردیبهشت سال ۹۶ در زندان بوشهر است.

معلمان عدالتخواه ایران روز ۲۲ تیر در بیانیه ای اتهامات وارد شده به عمرانی را واهی خوانده و خواستار حمایت تشکلهای و فعالان صنفی از وی شده اند. آنها یادآور شده اند: "هر معلمی که برای بهبود ساختار آموزشی و وضعیت معیشت معلمان تلاش می کند، باید مورد حمایت همه جانبه تشکلهای و فعالان صنفی قرار گیرد؛ به خصوص معلمانی که در شهرستانها از ناحیه حراستها و نهادهای امنیتی مورد تعقیب و آزار و اذیت مضاعف قرار می گیرند."

آنها تاکید کرده اند: "زندانی کردن فعالان صنفی معلمان خللی در پیگیری آنان برای رسیدن به مطالبات خود ایجاد نخواهد کرد. ما بیش از پیش بر یک زندگی شرافتمندانه برای همه از جمله معلمان و همچنین آموزش با کیفیت و برابر و فارغ از مناسبات پولی تاکید داریم و در این مسیر از تمام ظرفیتهای مدنی و قانونی و برحق خود برای تحقق مطالبات و

برداشته شدن نگاه امنیتی از فعالیت صنفی و آزادی معلمان در بند، به خصوص همکار در بندمان محسن عمرانی استفاده خواهیم کرد."

معلمان عدالتخواه ایران از سایر معلمان خواسته اند با امضای بیانیه ای که در لینک زیر درج شده، از عمرانی حمایت کنند:

https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLSeVvWRHnDQ/viewform?rSp=wy9empR_nFBad

تشدید حکم طاهر قادرزاده در دادگاه تجدید نظر

یک دادگاه تجدیدنظر در روز ۲۷ تیر حکم حبس سه ماه و یک روز حبس تعزیری طاهر قادرزاده را به سه سال حبس تعلیقی تغییر داد. حکم مزبور در شعبه پنجم دادگاه انقلاب شهر سقز صادر شده است و قابل تغییر نیست.

پیش از این دادگاه بدوی طاهر قادرزاده را به اتهام "تشویش اذهان عمومی و تلاش برای سازماندهی تجمع اعتراضی معلمان" بر اساس فراخوانهای سراسری کانون صنفی معلمان به ۳ ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم کرده بود. وی نسبت به حکم صادره اعتراض کرده بود.

این معلم سقزی در اسفندماه سال ۱۳۹۴ در پی فشار بر کانونهای صنفی معلمان بازداشت و با تشکیل پرونده قضایی روبرو گردید.

اتهام این کنشگر صنفی به هنگام بازداشت، "برهم زدن نظم عمومی" عنوان شده بود. او بعد از مدتی با اتهامات قید شده در حکم قضایی روبرو گردیده و سپس با قید وثیقه آزاد شد.

طی دو سال اخیر، طاهر قادرزاده، دبیر ریاضی مدارس سقز، بارها از سوی مراکز امنیتی جمهوری اسلامی احضار و مور بازجویی قرار گرفته شده است.

در سال ۱۳۹۵ پس از صدور حکم حبس از سوی دادگاه، انجمن صنفی معلمان کردستان از دستگاه قضا و مقامات امنیتی خواسته بود که زمینه تعامل مقامات امنیتی با فعالین صنفی را با تبریه این معلم در دادگاه تجدیدنظر فراهم سازند.

منابع:

ماف نیوز، خبرگزاری هرانا، خبرنگاران آزاد کردستان، ایلنا، نسیم آنلاین، خبرگزاری فارس، رادیو زمانه



رویدادهای هنری (تیر ۹۶)

فتح الله کیاییها

موسیقی

تئودور هوفمان گفته است: "آنجا که زبان از گفتار باز می ماند، موسیقی آغاز می شود". اما گویا در جمهوری اسلامی ایران بایستی این جمله پر نغز را این گونه تغییر داد: "آنجا که حاکمان تمامیت خواه حرفی برای گفتن ندارند، موسیقی ممنوع می شود." و متأسفانه ما هم مجبوریم سرآغاز هر شماره را با خبرهای تاسف بر انگیز موسیقی آغاز کنیم. در جامعه ای که ضرب چماق و نوای گلوله بر سر و کول مردمان تحت ستم، سمفونی خون و مرگ و جنایت را رهبری می کند، طبیعی است که موسیقی محلی از اعراب ندارد.

هنرمندان زن فقط در دو شهر اجازه برگزاری کنسرت دارند

این بار هم کین و نفرت ملاها بر بساط موسیقی بانوان کشور سرریز شده است. با وجود اینکه به ظاهر از نظر قانونی کنسرت بانوان موزیسین برای بانوان هیچ منعی ندارد و ادارات ارشاد در سراسر کشور موظف به صدور اجازه چنین اجراهایی هستند، اما در عمل تنها در تهران و سنندج زنان موزیسین می توانند روی سن بروند. باران رضایی از ندادن صدور مجوز برای اجرای کنسرت بانوان در استانها انتقاد کرده و گفت: "در هیچ شهری به جز سنندج و تهران مجوز کنسرت بانوان صادر نمی شود. من بارها برای اجرا در شهر خودم درخواست مجوز داده ام، اما هرگز با آنها موافقت نشده است. من چندین مرتبه برای اجرای کنسرت بانوان در رشت، اصفهان، کرج، کرمانشاه، یزد، سقز و شیراز اقدام کرده ام، اما به هیچ عنوان چنین اجازه ای داده نمی شود." وی همچنین درباره کنسرتی که مرداد ماه در تهران دارد، گفت: "گروه موسیقی بانوان "هناره" ۱۰ مرداد کنسرتی از موسیقی سنتی ایرانی و مقامی کردی را از ساعت ۱۲ در تالار خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران روی صحنه خواهد برد."

فرانک سیناترای فلسطینی و جشنواره موسیقی لبنانی

این هم خبر جالبی از موسیقی است که صدای آمریکا بدان پرداخته است: جشنواره تابستانی "بیت الدین" در لبنان با حضور صدها نفر برپا شد. این رویداد در بحبوحه جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۸۵ راه افتاد تا مردم را از فضای خشونت آمیز آن دوران دور کند و از طریق موسیقی به یکدیگر پیوند بزند. جشنواره "بیت الدین" در هویت فرهنگی مردم لبنان ریشه دوانده و تمدن این سرزمین را تصویر می کند. جشنواره لبنان امسال با اجرای خواننده جوان فلسطینی "عمر کمال" افتتاح شد که برای نخستین بار در لبنان روی صحنه می رفت. از عمر کمال به عنوان "فرانک سیناترا"ی فلسطین یاد می شود. سیناترا خواننده آمریکایی بود که ترانه های ماندگاری را در موسیقی آمریکا از خود به یادگار گذاشته است. این خواننده که از هجده سالگی به بریتانیا مهاجرت کرده، با کشف موسیقی فرانک سیناترا قدم در مسیر او گذاشته است.



اعتراض به اجرای سمفونی ۹ بتهوون در ستایش برابری و آزادی برای سران کشورهای گروه ۲۰

شامگاه جمعه ۷ ژوئن در سالن فیلارمونیک هامبورگ در اسکله الب به افتخار سران ۲۰ کشور صنعتی جهان کنسرتی برگزار شد: سمفونی نهم بتهوون بر اساس "سرود شادی"، اثر جاودانه شیلر.

یکی از شخصیت‌های برجسته هنری در آلمان به این امر اعتراض کرده و این پرسش را به میان آورده: «چگونه ممکن است "سرود شادی" درباره امید به صلح و دوستی را برای اشخاصی اجرا کرد که اندیشه ای جز جنگ و خونریزی در سر نمی‌پرورانند؟»

"یواخیم لوکس"، مدیر تئاتر "تالیا" - یکی از مهم ترین تئاترهای شهر هامبورگ - به رسانه های آلمان گفته است: "اجرای چنین کنسرتی به معنای سوواستفاده مبتذل و پورنوگرافیک از هنر است. عده ای از سران کشورهایی که حقوق بشر را پایمال می کنند، جنگ به راه می‌اندازند و از سلاحهای شیمیایی استفاده می کنند، در این کنسرت حضور دارند. این کنسرت به آنها مشروعیت می‌دهد و این دقیقاً خلاف روح سرود اتحادیه اروپاست".

اجرای سمفونی نهم بتهوون در فیلارمونی هامبورگ بخشی از برنامه های جنبی اجلاس گروه ۲۰ بود و ارکستر فیلارمونی هامبورگ به رهبری "کنت نانگو"، آن را برای سران ۲۰ اجرا کرد.

یواخیم لوکس می گوید: "سران کشورهای گروه ۲۰ از این شعر سردر نمی آورند، با این حال با کف زدنهای شان به روح این شعر ادر ستایش برادری و برابری تجاوز و آن را آلوده می کنند".

از مدیر تئاتر تالیا هم دعوت شده که در این کنسرت شرکت کند، اما او این دعوت را نپذیرفته است.

سینما

گلشیفته فراهانی و محمد رسول اف کاندید عضویت در آکادمی اسکار



سینمای این ماه را با خبری از اسکار آغاز می کنیم. بر اساس گزارش شبکه خبری دویچه وله، آکادمی علوم و هنرهای سینما معروف به "اسکار" از ۷۷۴ هنرمند برای عضویت در این آکادمی دعوت کرده است.

در میان دعوت شدگان ۹ سینماگر ایرانی از جمله گلشیفته فراهانی، محمد رسول اف و لیلا حاتمی دیده می شوند. آکادمی اسکار قصد دارد تا شمار اعضای خود را در سال ۲۰۱۷ با هدف تنوع هر چه بیشتر افزایش دهد.

شعار آکادمی انتخاب اعضای "جوان تر، متنوع تر و زنان" بوده است.

جلوگیری از برگزاری مراسم سالگرد کیارستمی

این بار باران خشم تمامیت خواهان بر سر مراسم بزرگداشت عباس کیا رستمی بارید و بدسگالان حکومت آخوندی مانع از برگزاری مراسم یادبود او در دانشگاه شدند. به خلاصه خبری در این باره توجه کنید.

خانواده و دوستان کیارستمی قصد داشتند در سالگرد درگذشت این سینماگر مراسمی در سالن دانشگاه بهشتی برگزار کنند اما با مخالفت حراست دانشگاه مزبور روبرو شدند. عباس کیا رستمی در شرایطی که از شیوه درمان خود در ایران به شدت ناراحت و خشمگین بود، ایران را ترک کرد و برای ادامه درمان به فرانسه رفت. او دو هفته بعد در بیمارستانی در پاریس درگذشت. در سالگرد کیارستمی کتابی از دستنوشته های او منتشر خواهد شد.

تمجید خامنه ای از فیلم "خوش ساخت"

پس از اکران خصوصی فیلم "ماجرای نیمروز" برای آیت‌الله خامنه ای، عوامل این فیلم با رهبر جمهوری اسلامی دیدار کردند. به گفته مرکز اسناد انقلاب اسلامی، "ماجرای نیمروز" با حمایت اسناد و تحقیقات این مرکز ساخته شده.

فیلم مزبور روایت تحریف شده و سفارشی حکومت از یک دوره پرتنش سیاسی ایران در دهه شصت است و ماجرای درگیری نیروهای امنیتی حکومت اسلامی با سازمان مجاهدین خلق را روایت کرده است.

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با عوامل فیلم مزبور از آنها تمجید کرد و گفت: "این فیلم بسیار خوب بود. همه اجزاء فیلم عالی بود، کارگردانی عالی بود. بازیها عالی، قصه عالی بود. فیلم خوش ساخت بود."

عوامل تولید "ماجرای نیمروز" عبارت بوده اند از: محمد حسین مهدویان (کارگردان)، سید محمود رضوی (تهیه کننده)، محمد حسین مهدویان و ابراهیم امینی (فیلمنامه)، عبدالرحیم صاحب الفصول (دستیار اول کارگردان)، هادی بهروز (مدیر فیلمبرداری)، سعید شرفی کیا (مدیر تولید)، وحید کاشی (برنامه ریز) و حبیب خزایی فر (موسیقی).

سیزدهمین دوره جشنواره بین المللی سینمای در تبعید برگزار می شود

جشنواره بین المللی سینمای در تبعید با انتشار بیانیه ای از برگزاری سیزدهمین فستیوال خود از ۱۷ تا ۲۳ نوامبر ۱۷۲۰ در شهر گوتنبرگ - سوئد خبر داده است.



در این بیانیه گفته شده: "اینک با شادمانی به استقبال افقهای تازه در سینمای تبعید می رویم و آغاز کار تدارک و برنامه ریزی برای برگزاری دوره جدید جشنواره را به آگاهی عموم، به خصوص سینماگران و تهیه کنندگان فیلم می رسانیم." برگزار کنندگان، جشنواره سینمای در تبعید را "جشنواره سینمای مقاومت، سینمای مبارز، سینمای نواندیش" خوانده اند و با دعوت از سینماگران و تهیه کنندگان فیلم به همکاری، خواسته اند تا آثار جدیدشان را برای نمایش در جشنواره ارسال نمایند.

به گفته برگزار کنندگان، افزون بر جلسه های نمایش فیلم، برنامه های جنبی و تکمیلی دیگری نیز درحوزه های هنری و فرهنگی به اجرا گذاشته خواهد شد. از جمله نمایشگاههای هنری، اجرای موسیقی، سخنرانی و ...

پست الکترونیکی جشنواره: info@exilefilmfestival.com / exile.filmfestival@usa.net

سایت جشنواره: www.exilefilmfestival.com

ادبیات

ابتکاری برای معرفی کتابهای کمتر شناخته شده

مخاطبان کتاب در کشورهای اروپایی از کتابهایی که کتابفروشها به آنها پیشنهاد می دهند، استقبال می کنند. استقبال از این نوع کتابها که رسانه ها عنوانش را "کتابهای باواسطه" گذاشته اند و به پیشنهاد کتابفروشها به خوانندگان عرضه می شود، رشد چشمگیری داشته است.

کتابفروشها آثاری را که ممکن است به خاطر تبلیغات اندک کمتر شناخته شده باشند، انتخاب می کنند، روی جلد و عنوان شان را می پوشانند و یادداشت کوچکی را به عنوان سرخ یا راهنمای خرید برای سلیقه های مختلف روی آن قرار می دهند تا خوانندگان برای خرید وسوسه شوند. این نوع فروش متفاوت و خلاقانه کتاب که مقداری راز آمیز تلقی می شود، توجه مخاطبان را بیشتر جلب می کند؛ به خصوص که طبق آمار منتشر شده، درآمد ناشران در آمریکا از فروش کتاب در سال ۱۶۲۰ نسبت به سال ۱۵۲۰ کاهش یافته و مردم کمتر به خرید کتاب تمایل نشان داده اند.

بهرام بیضایی صاحب دکترای افتخاری ادبیات دانشگاه سنت اندروز

اسپانیا شد

بهرام بیضایی، پژوهشگر، نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر و سینماگر برجسته ایرانی اول تیرماه (۲۲ ژوئن) دکترای افتخاری ادبیات دانشگاه سنت اندروز اسکاتلند را به پاس شش دهه فعالیت گسترده در عرصه فرهنگ و هنر دریافت کرد.



گوناگون

پیکره ای چهل هزار ساله از یک زن در آلمان کشف شد

یک پیکره کوچک زن، که به آن نام "ونوس اوله فلس" داده اند، در غاری در ایالت "بدن- وورتنبرگ" آلمان، در دره های رودخانه های "آخ" و "لونه" پیدا شده است.



این مجسمه از عاج ماموت تراشیده شده و بیش از ۴۰ هزار سال قدمت دارد و به این ترتیب قدیمی ترین تصویر بشری است که تا کنون پیدا شده است.

از قرن نوزدهم تاکنون، ۶ غار در این منطقه حفاری شده اند که در آنها صدها اشیای شخصی و تزئینی، حداقل ۸

آلت موسیقی و بیش از ۴۰ پیکره کوچک که از عاج ماموت کنده شده اند، پیدا شده است. از اشیای دیگری که در این حفاری کشف شد، یک مجسمه پرنده دریایی از ۴۰ هزار سال پیش است که برای هنر اولیه عصر یخ، بسیار منحصر به فرد است و یک مجسمه شکسته از جنس عاج ماموت که نیم انسان و نیم شیر است. "نیکلاس کانرد"، استاد باستان شناسی و تیمش، پیکره کوچک زن ۴۰ هزار ساله را در سال ۲۰۰۸ پیدا کردند که نامش ونوس اوله فلس را از نام غاری که در آن پیدا شده، گرفته است.

مردان سپید پوست تیاتر را قبضه کرده اند

در صحنه تیاتر آمریکا به زنان، رنگین پوستان، دگرباشان، اقلیتهای دینی و قومی به ندرت نقشهای اصلی داده می شود. یک بررسی عمومی نشان می دهد که مردان سفیدپوست صحنه تیاتر در آمریکا را تصاحب کرده اند. در همین رابطه، یک نمایش موزیکال در نیویورک که از این خط منحرف شده، سروصدای زیادی به پا کرده و با موفقیت کم نظیری روبرو شده است.

در موزیکال تاریخی "هامیلتون" تمام شخصیتهای مهم پیدایش ایالات متحده آمریکا مانند "جورج واشینگتن" و "تامس جفرسون" توسط بازیگران سیاه پوست و امریکای لاتینی روی صحنه جان می گیرند. با موفقیت چشمگیر این اثر، بحثی دیرین در رسانه ها زنده شده است: چرا بازیگران زن و سیاه پوست کمتر بر صحنه ظاهر می شوند و کمتر از همکاران سفید و مرد خود دستمزد می گیرند؟

یک نهاد نظرسنجی و آمارگیری که علیه تبعیض در جهان نمایش، فیلم و تئاتر، مبارزه می کند، بررسی تازه ای منتشر کرده که نشان می دهد تنها ۱۱ درصد از نقشهای نمایشهای پردرآمد به سیاه پوستان تعلق می گیرد، آنها در امور هماهنگی و سرپرستی اجراها نیز تنها ۶ درصد سهم می برند. این گزارش همچنین می گوید که در نمایشهای پردرآمد "برادوی"، سهم زنان از نقشهای اصلی تنها ۳۵ درصد است.

با یاد سرداران تابستان شوم!



((جشن تولد آزادی))
 در آسمان میهن من
 هر شب
 صدها ستاره خاموش می شوند
 بی رحم ، بی صدا.
 در آسمان میهن من اما
 هر بامداد
 لبخند شاد هزاران ستاره است.
 پویا و پر غرور.
 در آسمان میهن من
 آری
 جشن تولد آزادی است.

فتح الله کیاییها

در تهیه مطالب این شماره از شبکه های خبری: رادیو زمانه، دوپچه وله، صدای آمریکا، بی بی سی، ایلنا و کانال تلگرامی روز شمار ادبی استفاده شده است



رسم آفتاب

م . وحیدی

خونش

بوی بهار می داد

در تلاطم شبی سترون

که تاب شنیدن رویش نداشت

عابر پگاه

م . وحیدی

بذری تازه

در خاک خوب سرزمینم

حکایتی دیگر

از گفتگوی پلنگ و صخره و مهتاب

در هجوم سایه ها

وقتی که بر یال خاک بوسه زدی

باد سخنگو در گذر بود

و آواز تو را

در کوچه های شهر جاری کرد

آه !

از شعله قلبت

توفانها بر خواهد خواست

و تند بادی

چنان که

دریاها

بر دشتهای بیتاب تشنگی

جاری می شوند

عابران پاییزی

نام تو را

با یاد گهواره های غریبانه کودکی تو

بر بال قصه ها نوشتند

فاصله

در حادثه مُرد

و حجم بیدار خمیازه های مرگ

در درونت

طنین فواره های سبز صدای تو را

در بیابان سوخته تنهایی ات

برای شبنم و رود

معنی کردند

تو تماشای بهار را گفتی

و در خون خود خفتی

ما

در زیر تازیانه شب

- با مرگ آخرین ستاره -

در پگاهان

صبح را

به تماشا نشستیم

وعشق

که با تو سبب گرفت

- مسیح وار -

طلوع صادق نامت را

در بیشه های انبوه

به تکثیر نشست

پس

رسم آفتاب شدی

در سردی شهری

که دریاچه هایش

از قدح ناب لبخند تو

چشم می گشایند

موشک پرانی؛ اهمیت این پرسش که چه کسی فرمان شلیک می دهد

منصور امان

فراسوی خبر... یکشنبه ۴ تیر

اگرچه دستاوردهای نظامی موشک پرانی سپاه پاسداران به سوریه همچنان با ابهام و تردید روبرو است، اما دستکم آثار سیاسی این اقدام آشوب طلبانه را می توان به گونه مُستند در شکل انفجار زیر "خیمه نظام" و درگیری دسته بندیهای حکومتی گرد آن شاهد بود. مأنور موشکی "نظام" موجب شکل گیری صف آرای و درگیری جدیدی در دستگاه قُدرت گردیده است که موضوع آن ابتدایی ترین حلقه هر اقدام مُشخص، یعنی مرجع تصمیم گیری آن را در بر می گیرد. دو جناح اصلی حکومت هریک مُدعی هستند فرمان پرتاب را آنها داده اند. آقای روحانی پس از شروع تبلیغات یکجانبه سپاه پاسداران در این باره، در پُشت تریبون پدیدار شد تا روشن کند: "اقدامی که سپاه پاسداران انجام داد، تصمیم فرد یا رُکن نظامی نیست، بلکه اینگونه تصمیمات در شورای عالی امنیت ملی اتخاذ می شود."

او که به گونه فرمال رییس شورای عالی امنیت مُلاها است، به این وسیله قصد سهیم کردن خویش در اقدامی را داشت که وزن سیاسی آن در توازن قُدرت به زیان جناح میانه حکومت سنگینی می کرد.

همزمان، رهبران و پایوران این جناح و در پیشاپیش آنها آقایان روحانی و ظریف تلاش کردند با عرضه توجیهات "منطقه ای"، "دفاعی"، "ضد تروریستی" و حتی "صلح طلبانه"، خود را جلو انداخته و در نقش مُتولی موشک پرانی، علم بیرونی معرکه را از دست رقیب بیرون بکشند.

باند حاکم آنها را زمان زیادی در انتظار واکنش خود نگذاشت. سپاه پاسداران بی درنگ با انتشار بیانیه ای همراه با رد ادعای رُقا، تاکید کرد تصمیم گیری در این مورد در کادر "سلسله مراتب نظامی" و به بیان روشن تر، خارج از محدوده نهادهای سیاسی مانند دولت و شورای عالی امنیت صورت گرفته است. نیروی نظامی و امنیتی مزبور همچنین لازم دید که روشن سازد موشک پرانی به دستور و زیر نظر "فرمانده مُعظم کُل قُوا" انجام شده است.

باند ولی فقیه به این وسیله زیر موقعیت انحصاری و یکه تازانه خویش در هدایت و کُنترل ماشین نظامی و نیز سرنشین بودن حریف خط تاکید می کشید. باند حاکم، آقای روحانی و دوستان را که ناخوانده به میان نمایش خصوصی آن پریده و زیر پوشش چسباندن موشک پرانی به "صلح و ثبات و امنیت منطقه" برای خود جا باز می کردند، از صحنه بیرون انداخت و یادآور شد که تمایلی به استفاده از خدمات سفیدشویی آنها ندارد.

پُرسش اینکه موشکها در اختیار چه کسی است، بیشتر از آنکه موضوعی نظامی و سلسله مراتبی باشد، مساله ای سیاسی است که برخی جهتگیریهای استراتژیک "نظام" را زیرمجموعه دارد. بدون میزان باورپذیری از پایش نیروهای نظامی-امنیتی، سُخنی هم از حرکت به سوی "تعامل در منطقه" یا "برجام منطقه ای" نمی تواند وجود داشته باشد. هیچکس با آقای روحانی گرد یک میز برای مُذاکره در مورد موضوعاتی که او اختیاری در تعیین آنها ندارد، نخواهد نشست. مفهوم دیگر این ناتوانی، اسقاط مُهمترین پروژه جناح میانه حکومت، "برجامهای یک و دو و سه و غیره" است که نقش کلیدی در بازی قُدرت آن ایفا می کند.

آقای روحانی و دوستان که تاکنون نقش سرویس دهنده و هوراکش را برای ماجراجوییهای خارجی آقای خامنه ای و سپاه پاسداران او ایفا کرده اند، اینک شاهد آن هستند که هرگونه قُدرت نمایی نظامی و تقویت ساختاری و تجهیزاتی اینان، امکان و ابزاری برای اسقاط دولت و دفن اختیارات آنها است.

همزمان، درگرفتن نزاع موشکی در عالی ترین سطح هیرارشی حکومت، نه فقط نمایش قُدرت و "ارسال پیام به آمریکا و عربستان" را از نگاه بین المللی به فرستادن بادکنک رنگی به هوا بدل ساخته، بلکه بُحران در دستگاه قُدرت و تبدیل تصمیمهای آن به کانون درگیریهای جدید را نیز به نمایش گذاشته است؛ تحولی که یک پیامد ناگزیر آن فلج شدن دستگاه در مجموع است.

"نظام" در بُن بست به پیش می راند، بی تردید اما نه برای زمانی طولانی. دیوار انتهایی هر لحظه نزدیک تر می شود و تلاش هر دو باند برای قرار نگرفتن بر سینه آن دوچندان خواهد شد.

بازدید نمایشی سفرا از زندان مخوف اوین

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر پنجشنبه... ۲۲ تیر

در حالی که آوازه زندان مخوف اوین مرزهای ایران را در نوردیده و افکار عمومی جهان و نهادهای مدافع حقوق بشر را بی تفاوت نگذاشته، روز چهارشنبه ۱۴ تیر، هیاتی از سفیران برخی از کشورها از زندان اوین بازدید کردند. نمایش بازدید سفیران از زندان اوین، توسط سازمان زندانها و نهاد حکومتی به اصطلاح حقوق بشر اسلامی مهندسی شده بود. بر اساس خبر خبرگزاری تسنیم متعلق به سپاه تروریستی قدس، بازدید این هیات ۵۰ نفره از ۵ ماه قبل تدارک دیده شده بود و البته زندانیان سیاسی در این شکنجه گاه از این بازدید به کلی بی خبر بودند. روزهای قبل از ورود این هیات، راههای خبررسانی به زندان منجمله ورود روزنامه را قطع کرده بودند.

بازدید سازماندهی شده، با انتشار واکنش سه تن از این سفیران بعد از دیدار از زندان و ارائه تصویری از اوین به عنوان مکانی لوکس و مرفه، تکمیل شد. پوشش حرفهای چندش آوری از طرف این سفیران مبنی بر این که «شرایط اینجا آنقدر خوب است که شاید برخی زندانیان ترجیح دهند در زندان بمانند»، وضعیت پریشان رژیم را در برابر فعالیت مدافعان حقوق بشر بازتاب می دهد.

آتنا دائمی و گلرخ ایرایی، دو زندانی سیاسی که در بند زنان زندان اوین به سر می برند، در نامه ای در این مورد نوشتند: «طبیعی است که حتی اگر در منازلمان مهمانانی را دعوت نماییم خانه را به بهترین شکل ممکن زیبا خواهیم کرد و طبیعی است که همان فضای روبروی اجرای احکام کنونی زندان اوین که جایگاه اعدام و جوخه آتش زندانیان سیاسی در دهه شصت بوده، حالا در سال ۹۶ تبدیل به محفل پذیرایی از ۴۵ سفیر شده است.»

سخن پراکنی معاون امور بین المللی ستاد ضد حقوق بشر قوه قضائیه رژیم، هدف از این نمایش را برملا کرد. وی اقرار کرد این اقدام در برابر محکومیت مکرر رژیم ولایت فقیه به خاطر نقض حقوق بشر و گسترش جنبش دادخواهی بوده و با این اقدام به گفته او «بی اساس و واهی بودن ادعاهایی که در مورد وضعیت زندانهای ایران مطرح می شود» نشان داده شد.

زهی خیال باطل. در حالی که رژیم به آقای احمد شهید و خانم عاصمه جهانگیر، دو گزارشگر ویژه حقوق بشر در مورد ایران، تا کنون اجازه ورود به ایران را نداده است، گزینش تعدادی سفیر و درست کردن بخشهایی از زندان به عنوان میهمانخانه برای پذیرایی این تعداد دست چین شده، جا به جایی زندانیان و پنهان کردن حقایق زندان، هیچ رنگی از جنایت انجام شده و در حال انجام در زندان مخوف اوین را نمی تواند پاک کند. همچنین شهادت سفیرانی که سفره رنگین دیکتاتوری ولایت فقیه اشتهای آنها را باز و گوشه‌بانشان را گر و چشمان شان را کور کرده، هیچ اعتباری ندارد.

زندانیان سیاسی و مدافعان حقوق بشر همواره خواستار بازدید گزارشگران ویژه حقوق بشر از زندانهای ایران شده اند. اگر این رژیم ریگی به کفش ندارد و زندان جای خوبی است پس چرا تا کنون به این خواسته بر حق زندانیان پاسخ نداده است. نامه شجاعانه زندانیان سیاسی، آتنا دایمی، گلرخ ایرانی و مریم اکبری منفرد پس از دیدار این هیات از زندان، گوشه هایی از شکنجه، درد و رنج و وضعیت دهشتناک زندان را روی میز همه ی نهادهای مدافع حقوق بشر گذاشته است. شاهدان درد و رنج، داغ و درفش و چوپیه های دار سندهای زنده ای هستند که حقوق به اصطلاح بشر رژیم و این گونه نمایشها را به چالش می کشند.

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

نفرت و خشم یک پهلوان از حکومت دینی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر شنبه ... ۳۱ تیر



علیرغم فشار وزارت اطلاعات بر خانواده پهلوان اصغر نحوی پور برای جلوگیری از برگزاری هر مراسمی، بزرگداشت این جوان قهرمان روز آدینه ۳۰ تیر، در بهشت زهرا قطعه ۳۱۰ برگزار شد. در همایش گرامیداشت اصغر نحوی پور، تعداد زیادی از مردم، ورزشکاران و دوستان وی شرکت داشتند.

شرکت مردم در مزار اصغر نحوی پور، بر همه تبلیغات رژیم علیه وی خط باطل کشید. اصغر نحوی پور در روز ۲۵ تیر در اعتراض به توهین یک آخوند به چند دختر جوان در مترو، توسط نیروهای سرکوبگر و با شلیک گلوله از فاصله نزدیک جان باخت. شعارهای اعتراض آمیز زنده یاد اصغر نحوی در میان مردم و حرکت شجاعانه او در سینه سپر کردن در برابر آتش به اختیاران خامنه ای، سمبلی از خشم پنهان جوانان در برابر ارتجاع مذهبی است. شعارهای وی مبنی بر «ما این

آخوندها را نمی خواهیم. این اسلام را نمی خواهیم. این چه مملکتی است و این چه اسلامی است»، در امتداد شعارهای مرگ بر اصل ولایت فقیه در قیامهای خیابانی سال ۸۸ است. خبر کشتن پهلوان اصغر نحوی از همان ساعات اولیه در سطحی گسترده همراه با فیلمهایی از او در حال شعار دادن پخش شد. از همان لحظه اول پخش این رویداد، انگشت اتهام به سمت مزدوران آتش به اختیار خامنه ای نشانه رفت. واکنش پاسدار غلام حسین غیب پرور، سرکرده سازمان بسیج در رابطه با این رویداد، بر تنفر مردمی از حکومت تاکید می گذارد. وی انگیزه این گونه اقدامات را «کینه از روحانیت» ذکر کرد.



وامصیبتا

مهدی سامع

روز جمعه ۲۳ تیر، موحدی کرمانی از منبر نماز جمعه تهران با «وامصیبتا» گفتن به خطراتی که نظام ولایت فقیه را تهدید می کند پرداخت و گفت: «خطر بسیار بزرگ است، بسیار بزرگ است، بسیار بزرگ است، نظام را تهدید می کند.» (رسانه ها)

این که نظام ولایت فقیه از کجا تهدید می شود و ولایت فرسوده خامنه ای چه میزان ظرفیت برای مهار این تهدید را دارد و تا چه زمانی می تواند در برابر آن مقاومت کند، مساله مورد بحث فعالان سیاسی اجتماعی است. اکثریت نخبگان سیاسی به شمول برخی از کارگزاران نظام به این امر مهر تایید می زنند که نظام از داخل و از جانب مردم تهدید می شود. البته هستند فعالانی که با بزرگنمایی خطر «جنگ خارجی»، شور «ضد استکباری» شان گُل کرده و به طور نقد سوخت قطار ولایت را تامین می کنند. واقعیت این است که جنگ خارجی سالهاست که از طرف ولایت خامنه ای در عراق، سوریه، یمن و شروع شده و این جنگ و حمله هوایی احتمالی به خاک ایران، بیش از آن که برای رژیم «تهدید» باشد، تاکنون «فرصت» بوده است.

چند سال پیش سرکرده کل سپاه پاسداران به طور شفاف اعتراف کرد که تهدید اصلی «داخلی» است. خامنه ای گرچه همواره دشمن «خارجی» را برجسته می کند، اما این را باید به حساب یک راهکار به منظور پنهان کردن تهدید اصلی دانست. او اولین نفری است که اگر تهدید خارجی جدی نقد شود عقب نشینی «قهرمانانه» خواهد کرد. اما او در مقابل تهدید داخلی با اتکا به «پول و سرنیزه» ایستادگی خواهد کرد و از هیچ جنایتی دریغ نخواهد کرد.

تهدید داخلی را نباید از درون قدرت ارزیابی کرد. همه باندهای درون هر قدرت به حفظ نظام پایبند بوده و در مقابل تهدید اصلی با وجود ارایه راهکارهای متفاوت، اما متحد عمل می کنند. بنابراین باید به جان کلام آخوند موحدی کرمانی پی برد وقتی سه بار تکرار کرد که «خطر بزرگ است» و «نظام را تهدید می کند».

موحدی کرمانی در سخنان خود دو آدرس ارایه می دهد. او به موسسات غارتگر مالی و اعتباری انگشت می گذارد که «با اعتماد مردم به نظام و دولت» ارتباط دارد و به رعایت نکردن حجاب اجباری در ماشینهای خصوصی.

در مورد اول طی ماههای گذشته جامعه شاهد جنبش گسترده و سراسری شدگان بود. این جنبش که تا کنون در سراسر کشور ادامه دارد، نمی تواند بدون دستیابی به حداقل خواسته های خود فرو نشیند. غارت شدگان می دانند که پولهای آنان را چه کسانی بالا کشیده اند و نهادهای امنیتی نظام چون به این نکته آگاهی دارند می کوشند تا مبارزه غارت شدگان در محدوده مبارزه با روسای چند موسسه مالی و اعتباری و حداکثر با رئیس بانک مرکزی محدود شود. با وجود تلاشهای امنیتیها، از خلال شعارها و مصاحبه های گوناگون و به یمن شبکه اطلاع رسانی مجازی، بسیاری از غارت شدگان به کل نظام اشاره می کنند و «نظام» را مسئول برای حل این معضل می دانند و موحدی کرمانی هم از «نظام» می خواهد که به این مشکل رسیدگی کند.

در مورد دوم، موحدی کرمانی گفت: «شما بدانید فضای داخل اتومبیل فضای خصوصی نیست. ... از پشت شیشه همه مردم دارند ساکنین رو می بینند، بد حجاب باشد، خدایی نکرده بی حجاب باشد، همه می بینند. این دیگه فضای خصوصی نیست فضای عمومی است و باید نیروی انتظامی بر اساس قانون با قاطعیت با چنین افرادی برخورد کند.»

در مورد برخورد قاطعانه نیروی سرکوبگر انتظامی نیاز به توصیه موحدی کرمانی نیست. این نیروی دژخیم منش تا کنون به هر میزان درنده خوبی داشته، در مورد زنان ایران دریغ نکرده و البته زنان نیز به اشکال مختلف با اجبارات رژیم به مقاومت و مبارزه دست زده اند و نظام را به جایی رسانده اند که هر روز خطر بد حجابی و بی حجابی را به عنوان یک تهدید گوشزد می کند.

این دو مورد یعنی جنبش غارت شدگان و نافرمانی زنان که آخوند موحدی در موردش هشدار می دهد، نموده های تهدید اصلی است. بدیهی است که ماه گذشته دهها نمونه دیگر و از جمله حرکت های اعتراضی بی شمار نیروهای کار و عصیان شکوهمند یک جوان قهرمان، زنده یاد اصغر نحوی پور، وجود داشت که جملگی بر تهدید اصلی برای رژیم مهر تایید می زند.

در پایان به قسمتی از سخنان هاشمی طبا، یکی از تاییدشدگان شورای نگهبان برای رقابت در نمایش انتخابات استناد می کنم که در روز چهارشنبه ۷ تیر در پاسخ روزنامه آفتاب گفت: «کشور ما الان دچار بیماری سرطان شده است. این سرطان دارد از درون کشور را ویران می کند. هیچ کس هم به فکر درمان این سرطان نیست. این سرطان به نظرم بدخیم است. ما در طول این سالها شیره ایران را مکیده ایم؛ نفت اش را یک جور، گازش را یک جور و جنگل و آب اش را هم یک جور دیگر.»

اما در مورد ظرفیت رژیم برای مهار تهدید اصلی و مدت زمانی که می تواند در مقابل این تهدید مقاومت کند، به بحث دقیق نیاز است و من فقط به این نکته که مورد تایید اکثریت نیروهای سیاسی اجتماعی به شمول برخی از کارگزاران نظام است تاکید می کنم که «سرکوبی داخلی و صدور ارتجاع» دو راهکار اصلی نظام برای مهار تهدید اصلی و جلوگیری از سرنگونی است.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

امید عصیانی هامبورگ

قصد ما فقط اخلاص در صحنه آرای قدرت نبود، بلکه به هدفی فراتر از آن چشم دوخته بودیم. ما قصد برپا کردن خیزش امید و درهم شکستن بی‌گزینگی را داشتیم. ما می‌خواستیم نشان دهیم که مقاومت و تضاد واقعی از جانب چپ شکل می‌گیرد.

جمع بندی اولیه "چپ مداخله گر" از اعتراضات هامبورگ علیه نشست جی ۲۰

برگردان: بابک



حرف آخر را اول بزنیم: هامبورگ یک هفته فقط در شرایط فوق العاده پلیسی نبود (که باید برای ما یک هشدار باشد) نه، بلکه با همین درجه از اهمیت دهها هزار نفر در برابر شرایط فوق العاده ایستادند. دهها هزار نفر نترسیدند یا با وجود ترس شان به خیابان آمدند. هر تجمع کنار خیابان، هر چادر بر پا شده زیر تهدید دائمی قهر پلیسی قرار داشت. هیچکس از این قهر در امان نبود. این چارچوبی است که هر حرکت اعتراضی و هریک از شرکت کنندگان

در آن باید دیده شود. این شهامت و این نافرمانی از سوی پیر تا جوان، مسالمت جو تا ستیزه گر و سیاسی تا فرهنگی ماندگار است. این علایم را همچنین دوستان مان در برزیل، یونان یا آفریقای جنوبی می‌گیرند. مهم نیست که رسانه ها چه می‌نویسند یا نظرسنجیها چه می‌گویند، این محاسبه که با سرکوب و افترا زنی بتوان چپ را ایزوله کرد، در کف خیابان شکست نمایانی خورد و برعکس از آب درآمد. "اولاف شولتز" (Olaf Scholz) استاندار هامبورگ) و نیروهایش شاید می‌توانستند شمار اندکی چپ معترض را مهار کنند، اما بخش بزرگی از مردم همبسته با آنها را نه؛ مردمی که دخالت فیزیکی کردند، به خیابان آمدند، انبوه و نافرمان، در هر شکل و با هر رنگ.

نشست سران ۲۰، همایش بیشماران

بیا بید به طور فشرده به نشست جی ۲۰ پردازیم. نمایش آنجلا مرکل (Angela Merkel) به سختی ناموفق بود. نتیجه این نشست حداقل ۴۰۰ میلیون یورویی که برای برگزاری آن یک شهر میلیونی یک هفته تمام در شرایط فوق العاده قرار داده شد، هیچ بود.

- وعده "جشنواره دموکراسی" یا نشست بدون محدودیت، زیر پا گذاشته شد
- تلاش برای آنکه به وسیله یک لشکرکشی عظیم پلیسی و سیاست ممنوع سازی فله ای، اعتراضها دور و کوچک نگه داشته شود، شکست خورد.

"فاجعه" (کلمه رایج رسانه های بورژوازی) در اینجا به خوبی گویا است. اولاف شولتز و وزیر داخلی اش تا مغز استخوان سرشکسته شدند. تا مدت درازی دیگر از نشستی در این ابعاد و در یک شهر میلیونی در اروپای غربی خبری نخواهد بود.

همه ی بی چشم اندازی و درماندگی سرمایه داری گلوبال که دیگر وعده هیچ آینده ای را نمی دهد، خود را در تیاتر توخالی سران به نمایش گذاشت. به همین دلیل، این فقط درگیریهای آدینه شب نیست که سیاست رسمی و رسانه ها را به شیون درآورده، بلکه شکست آنها در خیابان است؛ شکستی که آنها نمی توانند اجازه بدهند پیروزی ما محسوب شود. اما همایش ما: قصد ما فقط اخلال در صحنه آرایی قدرت نبود، بلکه به هدفی فراتر از آن چشم دوخته بودیم. ما قصد برپا کردن خیزش امید و درهم شکستن بی گزینگی را داشتیم. ما می خواستیم نشان دهیم که مقاومت و تضاد واقعی از جانب چپ شکل می گیرد. این امر که درگیری واقعی در هامبورگ در بستر مقاومت در برابر وضعیت فوق العاده، درگیری بر سر دموکراسی و مبارزه بر سر حق زندگی در شهر جاری می شود، البته از پیش طراحی نشده بود، اما با موضوع کاملاً سازگاری داشت. شعار قدیمی جنبش جهانی سازی، "جهانی بیندیشید، محلی عمل کنید"، در هامبورگ یک تحول جالب و جدید یافت.

یک هفته نافرمانی

هفته ی سرکشی با ارباب و تهدید آغاز شد. ما نباید هیچ جا آفتابی می شدیم. هیچ جا نباید می خوابیدیم، هیچ جا نباید غذا می خوردیم و در یک محدوده ۲۸ کیلومتر مربعی نباید دست به فعالیت سیاسی می زدیم. محلهای خواب و غذاخوری ما به طور وحشیانه مورد حمله قرار گرفت و جمع شد. پلیس علیه دستگاه قضایی کودتا کرد و حکم آن را نادیده گرفت و ارتش اشغالگر آن، شهر را میلیتاریزه کرد. اما در انتها بیشماران همه جا بودند و ترس شان را از دست داده بودند. این امر بیش از همه مدیون همبستگی توصیف ناپذیر در هامبورگ بود. مردم خانه هایشان را در اختیار گذاشتند، در حیاطهایشان چادر بر پا شد، چندین کلیسا در محله های "سنت پاوولی" (St. Pauli) و "آلتونا" (Altona) درهای شان را گشودند و پیرامون شان کمپ برپا شد. "خانه نمایش" هامبورگ و همچنین باشگاه فوتبال سنت پاوولی به مخالفان نشست جی ۲۰ اجازه دادند در محلهای آنها استراحت کنند و غذا بخورند. سیستم قصد داشت ما را پراکنده کند، از هم جدا سازد و منشعب کند، اما عکس آن اتفاق افتاد. رشته دوستی و همبستگی بین انسانها و طیفهای مختلف هر چه محکم تر شد و عمری دراز تر از روزهای اعتراض و مقاومت هامبورگ خواهد داشت.

سه روز بیداری

چرخش جو هراس و روحیه ناتوانی با انبوه تجمعات کوچک در روز سه شنبه و حمله ماشینهای آب پاش پلیس در پارک



"آریواتی" (Arrivati) آغاز شد. تجمع کنندگان در ابتدا به طور کوتاه مدت عقب نشستند، اما اجازه متفرق ساختن خود را ندادند. ترس به تدریج جای خود را به پافشاری و اعتماد به نفس می داد. هدف پلیس اشغال شهر و میدانهای آن بود. پاسخ قوی به این استراتژی، تظاهرات ۲۰ هزار نفری بود که پایکوبان به حرکت درآمد و سد ناتوانی را درهم شکست.

و آنگاه روز پنجشنبه شاهد خشونت بی اندازه و بدون دلیل پلیس علیه تظاهرات "به جهنم خوش آمدید" بودیم. برای همه روشن بود که مجلس محلی و پلیس از قبل عزم کرده اند که اجازه برپایی به این تظاهرات مجوز دار را ندهند. با این حال، با وجود کتک، استفاده وسیع از گاز اشک آور و برخورد وحشیانه پلیس با معترضان که حتی می توانست به مرگ آنها منتهی شود، تظاهرکنندگان دوباره جمع شدند، افراد دیگری به آن پیوستند و موج به راه افتاد. جمعیت خطاب به پلیس شعار می داد: "این شهر من است".

بلوک جی ۲۰

خیزش امید شکل گرفت؛ یک حرکت شجاعانه و همبسته بیشماران. نشست سران ۲۰ نمی توانست بدون آنکه ما یک نشانه محسوس و قابل دید بر تارک آن نشانده باشیم، برگزار شود. محدوده امنیتی "آبی" فقط در خیالات استراتژیستهای نشست وجود خارجی داشت. این مرز در عمل، در آدینه، روز بلوکه کردن خیابانها توسط ما، بی معنی شد.

حرکت بلوک جی ۲۰ (ائتلاف گروههای خودگردان و ضد سرمایه داری) با خودداری جمعی از به رسمیت شناختن محدوده تظاهرات ممنوع شروع شد. ما از همه جهات تا مسیرهای رفت و آمد خودروهای سران نفوذ کردیم. مورد حمله



قرار گرفتیم، متوقف مان کردند و کتک زدند، اما دوباره به پا ایستادیم، گردهم آمدیم و ادامه دادیم. و در واقع نیز موفق شدیم ترتیب برنامه نشست را به هم بزیم. "دونالد ترامپ" با تاخیر در نشست حاضر شد، "ملینا ترامپ" نتوانست مهمانخانه سنا را ترک کند، بسیاری از هیاتها ناچار به دور زدن خیابانهای بلوکه شده گردیدند، یک نشست با شرکت وزیر دارایی آلمان، "شوئبله" (Schäuble)، لغو شد و سرآخر، کنسرت برای سران در فیلامونی با تاخیر بسیار برگزار شد.

تعیین کننده در این امر طراحی و تدارکات خوب، تمرین حرکات و همچنین نافرمانی و شجاعت و اقدامات ابتکاری بیشماران بود. آنها در خیابان جاری شدند، آن را لبریز و حفره ها را پر کردند و خودگردان شدند. در خلال روز، تظاهرات از یک بلوکه سازی سازمان یافته مسیرهای رفت و آمد سران، به اشغال خود به خودی شهر توسط توده مردم تبدیل شد. ما از اینکه روح مقاومت توقف ناپذیر و استوار در شهر به حرکت در آمده، شگفت زده شدیم. اهالی هامبورگ، کسانی که از نقاط دیگر آمده بودند و پیشاپیش آنها جوانان، در برابر تکبر قدرت ایستادند. اکنون بیش از همیشه.

همبستگی بدون مرز

در انتها ۷۶ هزار نفر علیه دنیای ترس گام به میدان گذاشتند. آنها به فراخوان مشترک به تظاهرات پاسخ دادند. تظاهرات موازی رسمی که از سوی حزب سوسیال دموکرات و حزب سبز برپا شده بود، به یک حاشیه خجالت آور تبدیل شد.

تظاهر کنندگان آمدند با وجود اینکه قصد داشتند آنها را به هراس بیاندازند، با وجود آنکه رسانه ها و سازمان امنیت داخلی به آنها می گفتند که بسیاری از چپهای خطرناک افراطی در تظاهرات حضور خواهند داشت. آنها با این وجود آمدند و درست به همین دلیل هم آمدند. ما برای همبستگی بدون مرز به حرکت درآمدیم، علیه دنیای جی ۲۰ و کاپیتالیسم آنها، برای یک زندگی بهتر.

"تمام هامبورگ ..."

آری، در تصویرهای مقاومت، صحنه هایی از به خشم آمدن مردم و دفاع از خود وجود دارد. و آری، صحنه هایی از برخورد متقابل که به حرکتهایی انجامید که دیگر نه علیه نشست یا قدرت دولتی، بلکه علیه ساکنان و مغازه ها انجام شد. این حرکتها را ما انجام ندادیم و به ما تعلق ندارند. چپ مداخله گر، مدافع بلوک جی ۲۰ و مدافع تظاهرات بزرگ است. ما در این چارچوب گفتیم که چکار می کنیم و انجام دادیم آنچه که گفته بودیم.

اما ما نه می خواهیم و نه می توانیم شعله های شب جمعه را از چارچوب شرایط فوق العاده ای که در آن فروخته شدند، جدا ببینیم. هنگامی که پلیس در تمام طول روز معترضان را آزار و اذیت می کرد، کتک می زد و زخمی می کرد، همچون یک قدرت اشغالگر برخورد می کرد، گویی که هرگز کلمه تشنج زدایی به گوشش نخورده، بنابراین باید منتظر پاسخ خودبه

خودی نیز می بود. ما پیش تر گفتیم که از این حرکات اعلام برائت نمی کنیم و از یاد نمی بریم که در چه طرفی ایستاده ایم.

ما با کسانی که اکنون از "بزهکاران" سخن می گویند و ترکیبی از ستیزه گران سازمان یافته و جوانان خشمگین را کنار نئونازیها می گذارند، همصدا نمی شویم. ما با مخالفت و سر باز زدن که در حرکت آنها وجود داشت تفاهم داریم، اگرچه شکل و هدفهای آن را غلط می دانیم.

تا جایی که این حرکتها توسط گروههای سازمان یافته صورت گرفت، ما درست نمی دانیم که آنها مسوولیت سیاسی اش را به عهده نمی گیرند، بلکه پاسخگویی را به گردن طیفهای سیاسی دیگر می اندازند. در باره سیاست "آنارشپیستهای به پا خاسته" باید با دیدی انتقادی صحبت کرد که اگرچه در خدمت فرونشاندن عطش به طغیان قرار دارد، اما در آن نه نشانی از امید و نه از همبستگی وجود دارد.

شانسه و دیگران

در جبهه ما بسیاری از ساکنان سنت پاوولی، محله شانسه (Schanze) و آلتونا قرار دارند. تعداد نه چندان کمی از ما خودشان در این نقاط زندگی می کنند. بدون ساکنان این محلات، بدون همبستگی عملی آنها، روزهای اعتراض ممکن نبود. وقتی آنها مورد تهاجم و تهدید قرار گیرند، موقعی که حرکت اعتراضی ناگهان دیگر نه علیه نشست سران، بلکه علیه دوستان ما در این محله ها جهت می گیرد، ما در کنار آنها می ایستیم.

ما چپهای مداخله گری هستیم که کماکان در این محله ها زندگی می کند. ما بخشی از این شهر و این محله ها هستیم؛ بخشی از جنبش حق زندگی در شهر. ما با همه کسانی که در جبهه ما هستند، گفتگو خواهیم کرد. با آنهایی که حرکات در این محله ها را درست می دانند و آنهایی که در آن هیچ بیان سیاسی نمی بینند. ما می خواهیم بشنویم و یاد بگیریم، چرا که ما چپها واقعیت اجتماعی را نمی توانیم به سادگی نادیده بیانگاریم، بلکه باید در آن حرکت کنیم.

روز بعد از نشست

و یک کلام صریح دیگر در باره همبستگی: ما محکم و استوار علیه تهاجمات رسانه ها و تهدید به تخلیه مرکز فرهنگی "خانه سرخ" ایستاده ایم و در کنار آن قرار داریم. ما همچنین با گروههای "تصرف جی ۲۰" و همه دیگرانی که در مرکز سرکوب دولتی قرار گرفته اند، همبسته هستیم. ما مدافع همه کسانی هستیم که هنوز در زندان بسر می برند و آماج سرکوب قرار گرفته اند. شما تنها نیستید!



همزمان ما از اخلاق دروغین و دوگانه بخشهایی از بورژوازی و طبقه سیاسی بیزاری می جوییم. آنها به تصویر خودروهای آتش گرفته و شیشه های شکسته شده نیاز دارند تا بتوانند تصویر مهاجران غرق شده در مدیترانه، قربانیان جنگهای خود و بی خانمانهایی که زیر ویرترین فروشگاههای محبوب آنها می خوابند را از سر بیرون کنند. نازکی رویه متمدنی که زیر آن نفرت افراد گویا لیبرال از هر شکلی از زیر سووال بردن نظم و فانتزی حکومت پلیسی شان انبار شده، به راستی هراس انگیز است.

به جای این باید از خشونت بی اندازه پلیس، مشروعیت بخشی به وضعیت فوق العاده و نیز در این باره که چگونه می توان مقاومتی وسیع و همبسته سازمان داد، صحبت کرد. ما نمی توانیم بفهمیم که چطور در این کشور که ۱۰ سال باید سپری می شد تا در اصل یک شبکه تروریستی نئونازی به چشم بیاید و هر روز پناهجویان آماج تهاجم قرار می گیرند، فقط یک روز کافی است تا از "ترور چپ" سخن گفته شود.

تا آنگاه...

برای آینده ما به دقت بررسی خواهیم کرد که چه اشکالی از مبارزه و چه استراتژی سیاسی در شرایط مانور جنگی پلیس در فضای شهری مناسب است.

آنچه که به جا می ماند مرور یک هفته امید دهنده با اشکال متنوعی از حرکت‌های اعتراضی و مقاومت است که دهها هزار نفر را از ستیزه گران تا اتحادیه ها برانگیخت و بسیج کرد. هامبورگ شهر عصیانگری بود که این اعتراضها آن را زنده کرد. ما در خود و در متحدان سراسری مان اعتماد به نفس و شهامت یافتیم.

عمق روزهای اعتراضی هامبورگ از نظرسنجیها و جوسازیهای رسانه ای بسا بیشتر است. آنگاه که دیگر هیچکس نمی داند اولاف شولتز چه کسی بود، این روزها زنده خواهند بود و ما را در نبردهایی که در پیش داریم هدایت می کنند، تا آنگاه که همه چیز به گونه دیگری باشد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر ۱۳۹۶

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۱۸۸ حرکت اعتراضی بدون محاسبه حرکت‌های اعتراضی غارت شدگان



*بامداد روز پنجشنبه ۱ تیر در ادامه اعتراض کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، ماموران حراست از ورود ۳۰ نفر از کارگران به کارخانه جلوگیری کردند. به گزارش ایلنا به نقل از کارگران، کارفرما با این استدلال که این ۳۰ کارگر اعتراضات را هدایت می کنند از ورودشان به کارخانه ممانعت کرده. در همین رابطه، یکی از کارگران گفت: در حالی که همه کارگران اعتصابی در واکنش به بی توجهی کارفرما در پرداخت مطالبات شان تصمیم به توقف تولید گرفتند، ماموران حراست با این استدلال که این ۳۰ کارگر اعتراضات را هدایت می کنند از ورودشان به کارخانه ممانعت کردند.

*روز پنجشنبه ۱ تیر، بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه نورد و پروفیل ساوه در اعتراض به خارج کردن کارشان از شمول مشاغل سخت و زیان آور و عدم واریز چهار درصد سهم کارفرما، مقابل اداره کار ساوه تجمع کردند. به گزارش فارس، یک کارگر حاضر در این تجمع گفت: من از سال ۷۵ در این شرکت گاه به صورت دو شیفت کار کرده ام، اما الان به من اعلام شده که غرامت سختی کار به این شرکت تعلق نمی گیرد. وی افزود: بر اساس اعلام مسئولان مربوطه استان مرکزی به کارگران این واحد صنعتی در کمیته بدوی، غرامت ناشی از کار سخت و زیان آور تعلق نگرفته است.

*ظهر روز پنجشنبه ۱ تیر، اهالی زرین شهر در اعتراض به بی توجهی مسئولان نسبت به آلاینده‌گی کارخانه ذوب آهن اصفهان، مقابل اداره محیط زیست لنجان تجمع کردند.

به گزارش فارس، چندی است که موضوع آلاینده‌گی بیش از حد کارخانه ذوب آهن اصفهان در شبکه های اجتماعی دست به دست می شود تا جایی که اخیراً شاهد انتقاد شدید مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان از مجموعه ذوب آهن اصفهان بودیم.

*روز شنبه ۳ تیر، کارگران سازمانهای اتوبوسرانی، فضای سبز و پسماند شهرداری بجنورد در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و پرداخت نشدن حقوق دست به تجمع زدند. به گزارش مهر، یک مقام شهرداری بجنورد با اشاره به تجمع شمار زیادی از کارگران شهرداری در محل شورای شهر بجنورد، گفت: با توجه به مذاکره و هماهنگیهایی که انجام گرفت، مقرر شد پرداخت حقوق معوق این کارگران در اولویت قرار گیرد.

*روز شنبه ۳ تیر، تعدادی از کارگران بخشهای خدمات شهری شهرداری منطقه ۲ آبادان در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات شان مقابل ساختمان شهرداری منطقه ۲ این شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض گفتند: زیر نظر پیمانکار منطقه آزاد بخشهای خدمات شهری و پسماند منطقه ۲ شهرداری آبادان مشغول به کار هستیم و سه ماه است که حقوق و مطالبات ما پرداخت نشده است.

*روز شنبه ۳ تیر، کارگران فضای سبز شهرداری خرم آباد برای بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق شان دست به تجمع زدند. به گزارش فارس، شهردار خرم آباد با اشاره به تحصن کارگران فضای سبز گفت: پیمانکاران در بخش خصوصی متعهدند که هر دو ماه حقوق کارگران را پرداخت کنند و هر چقدر منابع درآمدی شهرداری بیشتر باشد پرداخت حقوق و مزایا راحت تر صورت گیرد.

*بامداد روز یکشنبه ۴ تیر، کارگران اخراجی کارخانه صبا فولاد زاگرس برای دومین روز متوالی با تجمع مقابل اداره صنعت، معدن و تجارت استان چهارمحال و بختیاری خواستار بازگشت به کار شدند. به گزارش تسنیم، کارخانه صبا فولاد زاگرس واقع در شهرک صنعتی سفید دشت بروجن از توابع استان چهارمحال و بختیاری در یک اقدام از قبل طراحی شده چند روز پیش تعداد ۱۲۰ نفر از کارگران این کارخانه را به بهانه تعدیل اخراج کرد.

*روز یکشنبه ۴ تیر، جمعی از کارگران بخشهای خدمات شهری شهرداری منطقه ۲ آبادان در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات شان مقابل سازمان منطقه آزاد اروند تجمع کردند. به گزارش ایرنا، این کارگران روز گذشته مقابل ساختمان شهرداری منطقه ۲ آبادان و سه بار در خلال خرداد ماه مقابل ساختمان شهرداری منطقه ۲ و شهرداری مرکزی آبادان تجمعاتی اعتراضی برگزار کرده بودند.

*روز یکشنبه ۴ تیر، رانندگان تاکسیهای بیسیم شهر یاسوج برای هفتمین بار متوالی در پی افزایش غیر قانونی کمیسیونهای تاکسی بیسیم در جلوی استانداری تجمع کردند. به گزارش بامداد زاگرس، یکی از رانندگان تاکسی بیسیم در پاسخ به این سوال که علت اعتراض شما در جلوی استانداری چیست؟، گفت: مشکل ما این است که قانون رعایت نمی شود چرا که قانون برای اینها مصوب کرده است که ماهانه ۱۰۰ هزار تومان از رانندگان دریافت کنند اما آقایان به فشارها و آشنایی بازیهایی فشار می آورند به راننده که ۱۵۰ هزار تومان باید پرداخت کند.

*به گزارش سیرجان خیر، بامداد روز چهارشنبه ۷ تیر، جمعی از کارگران معدن شماره ۲ گل گهر در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و بیکاری دست به تجمع در جاده سیرجان - گل گهر زدند.

*بامداد روز چهارشنبه ۷ تیر، بازنشستگان اسفند ماه شرکت نیشکر هفت تپه به دلیل بدعهدی مکرر کارفرما، درخصوص وعده‌های داده شده، در مقابل درب امور اداری شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش جمعی از کارگران و پرسنل شرکت نیشکر هفت تپه، مدیر امور اداری در این تجمع اعلام کرد که باهماهنگی‌های به عمل آمده، بین سازمان تامین اجتماعی و شرکت و استانداری، مقرر شده که از طریق شورای تامین استان این توافق اجرایی شده و مشکل ۴ در صد سهم کارفرمای ۳۴۱ نفر کارگران بلا تکلیف شرکت و مشکل دفترچه های درمانی کارگران که ۴ ماه است به خاطر پرداخت نکردن مبلغ بیمه ماهیانه کارفرما، فاقد اعتبار هستند، با موافقت تامین اجتماعی حل شود.

شرکت نیشکر هفت تپه، خودمانی سازی شده نه خصوصی سازی. به خاطر همین موضوع است که فریاد پرسنل این شرکت در این مدت به جایی نمی رسد.

*ظهر روز چهارشنبه ۷ تیر، کارگران اخراجی دو کارخانه صبا فولاد زاگرس و برفاب در اعتراض به بیکاری و برای بازگشت به کار، همزمان مقابل استانداری چهارمحال و بختیاری تجمع کردند. به گزارش جهانبین نیوز، درحالی که تجمع کارگران کارخانه صبا فولاد زاگرس در اعتراض به اخراج از کارخانه وارد روز سوم شده اما هنوز هیچ مسئولی به وعده هایش در این باره عمل نکرده و این در حالی است که امروز کارگران اخراج شده برفاب نیز به جمع کارگران معترض اضافه شدند.

*روز چهارشنبه ۷ تیر، رانندگان اتوبوسرانی رشت در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری رشت تجمع کردند. به گزارش خزر، مطالبات رانندگان اتوبوسرانی رشت از اسفندماه سال گذشته پرداخت نشده است. سرپرست شهرداری رشت، با حضور در جمع رانندگان ناوگان اتوبوسرانی ضمن شنیدن خواسته ها و مشکلات آنها دستور پرداخت معوقات رانندگان را صادر کرد.

*بامداد روز پنج شنبه ۸ تیر، کارگران شرکت مراغ در راهسازی جاده رامیان به شاهرود، در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق شان دست از کار کشیده و مقابل شرکت تجمع کردند. به گزارش گل رامیان، این کارگران به نشانه اعتراض و برای دریافت مطالبات ۱۶ ماهه شان مقابل این شرکت تجمع کرده و کار را تعطیل کردند.

*روز شنبه ۱۰ تیر، کارکنان شرکتی مخابرات شهرهای مختلف استان لرستان نیز در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برای تبدیل وضعیت دست از کار کشیدند و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان در کوهدشت، پلدختر، خرم آباد و دیگر شهرهای لرستان، یا در مقابل ادارات مخابرات و یا در فضاهای سرپوشیده جمع شدند و از مسئولان شرکت مخابرات خواستند که به وضعیت آنها رسیدگی کنند.

*بامداد روز شنبه ۱۰ تیر، کارکنان شرکتی مخابرات خوزستان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برای تبدیل وضعیت اعتصاب و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان گفتند: امروز در همراهی با کارکنان شرکتی مخابرات لرستان و مشهد دست از کار کشیدیم و مقابل دفتر نماینده مجلس جمع شدیم.

*بیش از دویست نفر از کارگران نورد و پروفیل ساوه در شیفیت بعد از ظهر روز شنبه ۱۰ تیر، به دلیل اعتراض به حقوقهای معوقه خود دست از کار کشیدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران این کارخانه از بهمن ماه سال گذشته تاکنون نزدیک به پنج ماه است که حقوقهای خود را دریافت نکرده اند. روز بعد کارگران مهترض پس از دریافت یک ماه حقوق به اعتصاب خود پایان دادند.

*روز شنبه ۱۰ تیر، کارگران اخراجی کارخانه صبا فولاد زاگرس در ادامه اعتراضات شان نسبت به بیکاری و برای بازگشت به کار بازم مقابل استانداری چهارمحال و بختیاری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع خانواده های کارگران هم حضور داشتند.

*روز شنبه ۱۰ تیر، جمعی از صیادان قایق دار بندر دیر در استان بوشهر در اعتراض به تخریب ادوات صید و صیادی خود توسط شناورها و کشتیهای صید ممنوعه ترال (کف روب) غیر بومی در صیدگاههای این منطقه، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع آرام برگزار کردند. به گزارش ایلنا، این صیادان گفتند: هم اکنون که صید ترال به دلیل آسیب رساندن به صیدگاهها، زیستگاهها و نسل آبزیان دریایی ممنوع است، چرا کشتیهای بزرگ صیادی با این روش ممنوعه بدون اینکه کسی مانع آنها شود آزادانه علاوه بر خالی کردن دریا به زیستگاههای آبزیان آسیب می زنند؟ در بندر دیر (dayyer) به عنوان بزرگترین بندر صیادی جنوب کشور، ۳۵ لنج صیادی، ۱۱ کشتی و ۳۰۰ قایق صیادی به امر صید و صیادی مشغول هستند.

*روز یکشنبه ۱۱ تیر، جمعی از نیروهای شرکتی مخابرات همدان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برای تبدیل وضعیت مقابل این شرکت تجمع کردند. به گزارش فارس، این کارگران خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، حذف واسطه ها و عقد قرارداد مستقیم که مصوب شده وزارت کار بوده و مخابرات در اجرای آن کوتاهی می کند بودند.

*بامداد روز یکشنبه ۱۱ تیر، جمعی از کارگران شرکت مخابرات گچساران در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برای تبدیل وضعیت در محوطه این شرکت تجمع کردند. به گزارش آفتاب جنوب، تجمع کنندگان به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و وضعیت قراردادی نشدن خود معترض بودند.

*روز شنبه ۳ تیر، اعتصاب کارگران و کارکنان شرکتی مخابرات مشهد که از روز سه شنبه ۳۰ خرداد آغاز شد، همچنان ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، معترضان گفتند: ما جمعی از پرسنل شرکتی مخابرات ایران هستیم، به دلیل اینکه بعد از گذشت حدود هشت سال از خصوصی سازی مخابرات و با وجود اینکه اجرای صریح قانون اساسی را بارها از مخابرات خواستار شدیم، هنوز شاهد قانون گریزی مخابرات بوده و هستیم و این تا جایی رسیده که حتی ما را جزء نیروی مخابرات ندانسته و می گویند نیروی پیمانکار هستیم. بامداد روز یکشنبه ۱۲ تیر، کارگران و کارکنان شرکتی مخابرات مشهد چهاردهمین روز اعتصاب شان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برای تبدیل وضعیت مقابل اداره کار تجمع کردند.

*پیش از ظهر روز یکشنبه ۱۱ تیر، ۱۰۸ نفر از ناظران جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به بلا تکلیفی و نبود اعتبار برای اشتغال به کار خود دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به گزارش فارس، یکی از این تجمع کنندگان گفت: طبق مصوبه مجلس در مورخ ۱۲ اسفند ماه سال ۹۰، ۱۰ هزار ناظر بخش کشاورزی به صورت رسمی جذب شدند که از این تعداد تاکنون مشکلات ۱۰۸ نفر حل نشده و جذب بازار کار نشدند.

*اعتصاب کارگران شبکه هوایی و کابل مخابرات آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه حقوق در روز دوشنبه ۱۲ تیر، یک هفته را پشت سر گذاشت. به گزارش صدا و سیمای رژیم، کارکنان مخابرات با اشاره به ماهها کار و زحمت شبانه روزی در شهری که دمای کمتر از ۴۷ درجه ندارد از بی توجهی مسئولان گلایه و رسیدگی سریع به وضعیت معیشتی خود را تقاضا کردند.

*روز دوشنبه ۱۲ تیر، حدود ۳۰ نفر از اهالی روستای مهاجران از توابع دزفول، در اعتراض به آنچه که نرخ اعلامی قیمت زمین از سوی بنیاد مسکن این شهرستان عنوان کردند، مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایرنا نماینده تجمع کنندگان گفت: ۲۰ سال است که زمین مسکونی به متقاضیان واجد شرایط در این روستا داده نشده و در ۲ سال اخیر قرار شده زمین با قیمت هر متر مربع یک میلیون و ۲۰۰ هزار ریال از طرف بنیاد مسکن به روستاییان واگذار شود. وی افزود: این قیمت برای مردم محروم روستا که درآمد آنها از طریق کارگری کسب می شود قابل پرداخت نیست.

*عصر روز دوشنبه ۱۲ تیر، جمعی از کارگران شرکتی نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات شان دست به تجمع زدند. به گزارش شیرازه، کارگران معترض برای دستیابی به حقوق حقه شان قصد محبوس کردن عوامل پیمانکار در ساختمان اداری شرکت را داشتند که مورد حمله قرار گرفتند که مجروحیت چند نفر را به همراه داشت. نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم در جاده شیراز- جهرم و در ۲۵ کیلومتری شمال شهر جهرم در استان فارس واقع شده است.

*روز شنبه ۱۰ تیر، جمعی از کارگران کارخانه هپکو در میدان صنعت اراک تجمع کرده و اعتراض شان نسبت به عدم پرداخت ماهها حقوق را با سر دادن شعار و نشستن در کف خیابان به نمایش گذاشتند. به گزارش اراک امروز، این اقدام اعتراضی کارگران کارخانه هپکو منجر به مسدود شدن خیابان و جلوگیری از تردد وسایل نقلیه شد. روز دوشنبه ۱۲ تیر، کارگران کارخانه هپکو برای دومین بار در هفته جاری نسبت به عدم پرداخت ماهها حقوق شان اعتراض کردند و با راهپیمایی در شهر اراک مقابل استانداری مرکزی تجمع کردند. کارگران معترض بنهائیی با مضامین زیر در دست داشتند: «واردات غیر اصولی ماشین آلات راه سازی= فروپاشی بنیان خانواده و کارگران شرکت هپکو»، «بیکاری کارگران و ورشکستگی تنها سازنده ماشین آلات راه سازی خاور میانه» و «۱۲۰ روز از وعده شما جهت برگزاری جشن شکوفایی شرکت هپکو گذشت تا به امروز چه کرده اید؟» روز سه شنبه ۱۳ تیر، راهپیمایی و تجمع کارگران کارخانه هپکو در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق شان ادامه پیدا کرد.

*روز سه شنبه ۱۳ تیر، کارگران اخراجی آذر آب اراک پس از گذشت حدود ۴۳ روز از اخراج شان همچون روزهای گذشته مقابل درب ورودی شرکت آذر آب تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران اخراجی که تحت مسئولیت شرکت میثاق صنعت مرکزی در کارخانه آذر آب اراک فعالیت می کردند با اعلام این خبر گفتند: اول خرداد ماه سال جاری قرارداد کاری ۲۲ نفر از همکاران آنها با تغییر پیمانکار به اتمام رسید و در نتیجه این تعداد از کارگران اخراج شدند.

*روز سه شنبه ۱۳ تیر، جمعی از متقاضیان مسکن مهر پروژه خاتم الاوصیا، فاز ۵ اندیشه، با تجمع مقابل شرکت عمران شهر اندیشه خواستار مشخص شدن وضعیت تحویل واحدهای خود شدند. به گزارش راه مبین، یکی از معترضان مقابل این شرکت اقدام به خودسوزی کرد که با هوشیاری اطرافیان از خطر نجات یافت.

*روز سه شنبه ۱۳ تیر، کارگران کارخانه کاشی و سرامیک آیدا سرام واقع در شهرک صنعتی بیرجند در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه، مقابل استانداری خراسان جنوبی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: دلیل اعتراض کارگران شاغل در این واحد تولیدی، تاخیر در پرداخت مطالبات شان در حداقل ۵ ماه گذشته و به تعویق افتادن حق بیمه آنان به سازمان تأمین اجتماعی طی چند ماه گذشته است.

*بامداد روز چهارشنبه ۱۴ تیر، کارگران خدماتی اخراجی منطقه آزاد اروند شاغل در شهرداری خرمشهر در اعتراض به اخراج و برای بازگشت به کار و نیز عدم پرداخت ۲ ماه حقوق، ۴ ماه حق بیمه و عیدی مقابل این سازمان تجمع کردند. به

گزارش شهردار آنلاین، یکی از این کارگران با بیان این که ۷۰ کارگر این سازمان سوم خرداد ۹۶ بدون هیچ دلیلی اخراج شدند از عدم رسیدگی مسئولان مربوطه انتقاد کرد و خواستار انعکاس و پیگیری مشکلات شان شد.

*بامداد روز چهارشنبه ۱۴ تیر، کارگران کارخانه لوله سازی آلیا در اعتراض به عدم پرداخت یک سال حقوق و ۴ ماه حق بیمه و اخراج از کار مقابل ساختمان مرکزی سازمان منطقه آزاد اروند تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض گفتند: علی رغم وجود بازار برای محصولات تولیدی شرکت، وجود مواد اولیه و نیروی متخصص در این شرکت، به دلیل مشخص نبودن مدیریت، تولید شرکت به مدت ۲ هفته متوقف شده است.

*روز چهارشنبه ۱۴ تیر، کارگران شهرداری زیدآباد از شهرهای استان کرمان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق دست از کار کشیده و مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گزارش مَطَلَبْک، این کارگران معترض که چندین ماه حقوق شان پرداخت نشده است بر درب ورودی شهرداری قفل زدند.

*روز شنبه ۱۷ تیر، کارگران هیکودر راه دستیابی به مطالبات شان مبنی بر تامین امنیت شغلی و پرداخت مطالبات شان در محوطه کارخانه تجمع کردند که تصمیم اعزام به مرخصی اجباری دوهفته ای به آنها ابلاغ شد. به گزارش اراک امروز، در جلسه روز پنجشنبه ۱۵ تیر مسئولان استان، سهامدار و مدیریت شرکت و اعضای شورای اسلامی کار تصمیم گرفتند که کارخانه هیکو از ۱۷ الی ۳۱ تیر جهت همکاری با وزارت نیرو و کاهش مصرف در پیک مصرف برق و نیز به منظور تأمین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز خطوط تولید تعطیل شود.

*طی روزهای دوشنبه ۱۲ و سه شنبه ۱۳ تیر، جمعی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، در اعتراض به عدم تعیین تکلیف وضعیت بازنشستگی شان دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان شوش زدند. این تجمع در حالی است که ۱۳ روز قبل قائم مقام مدیر عامل مجتمع نیشکر هفت تپه وعده برطرف شدن مشکل بازنشستگی ۳۴۱ نفر از کارگران این مجتمع را داده بود. به گزارش ایلنا، بامداد روز سه شنبه ۱۳ تیر، کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه به دو گروه تقسیم شدند. حدود ۲۰۰ نفر جهت گرفتن نتیجه پیگیری فرماندار، مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند و گروهی دیگر درب ورودی شرکت را بسته و مانع عبور و مرور به شرکت شدند. کارگران پس از بی توجهی مسئولان شرکت، به مدیریت شرکت و حسابداری حمله کرده و اقدام به شکستن دوربینها و شیشه های مدیریت و حسابداری کردند. بامداد روز شنبه ۱۷ تیر، کارگران بازنشسته کارخانه نیشکر هفت تپه با مراجعه به شرکت و عدم پاسخگویی مسئولان، اقدام به قطع برق شرکت و قطع سیستم مخابرات آن نمودند.

*جمعی از مردم شهر یاسوج در روز شنبه ۱۷ تیر، در اعتراض به قطعی چند روزه آب منازل شان در دفتر مدیرعامل اب و فاضلاب شهری یاسوج تجمع کردند. به گزارش تابناک، این افراد که بیشتر از ۱۰۰ نفر از سرپرستان خانوارها در مناطق عدل، فلکه جهاد و محلاتی از شهر یاسوج که قطعی آب چند روزه دارند، خواستار حضور خانواده های مسئولان استان در محلات خودشان بودند تا شاید بحران آبی این مناطق را درک کنند.

*روز پنج شنبه ۱۵ تیر، کارکنان شرکتی مخابرات استان لرستان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برای تبدیل وضعیت و بازگشت به کار همکاران اخراجی شان به همراه خانواده های شان، مقابل نمایشگاه بین المللی شهر خرم آباد تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارکنان شرکتی مخابرات در استان لرستان برای چهارمین بار در هفته جاری تجمع اعتراضی برگزار کردند.

خواسته تجمع کنندگان، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، عقد قرارداد مستقیم با مخابرات و بازگشت به کار کارکنانی است که در هفته ها و ماههای گذشته اخراج شده اند. روز یکشنبه ۱۸ تیر، کارکنان شرکتی مخابرات اعلام کردند تا زمانی که تکلیف همکاران اخراجیمان مشخص نشود به اعتراضات و نامه‌نگاریها ادامه خواهیم داد.

*روز یکشنبه ۱۸ تیر، جمعی از کارکنان شرکتی مخابرات منطقه فارس از شهرستانها و مراکز مختلف استان فارس در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تنزل گروههای شغلی کارکنان پس از خصوصی سازی و ... مقابل درب اداره کل کار استان فارس تجمع کردند. به گزارش مهر، آنها اعلام کردند که از زمان واگذاری مخابرات به بخش خصوصی، مخابرات باید نسبت به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مصوب مخابرات ایران برای پرسنل شرکتی اقدام می کرد که این امر تنها برای پرسنل رسمی سازمان رعایت شد.

*کارگران میدان نفتی آزر ایلام واقع در شهرستان مهران در قالب شرکتهای سروک و شرکت توسعه آب و گاز، از روز پنجشنبه اول تیر دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران که ابتدا حدود ۱۵۰ نفر بودند برای دریافت حقوق معوقه سه ماه اول سال جاری بعلاوه عیدی دست به اعتصاب زدند که رفته رفته کارکنان دفاتر فنی و مهندسی نیز حدودا ۱۰۰ نفر به این اعتصاب پیوستند.

روز چهارشنبه ۱۴ تیر، اعتصاب سنگین تر از روزهای قبل در جریان بود تا جایی که کارگران اعتصابی، برق اصلی دفاتر شرکت توسعه آب و گاز و شرکت کارفرما (سروک) را قطع کردند. روز شنبه ۱۷ تیر اعتصاب ادامه پیدا کرد و تعداد ۱۵۰ نفر از کارگران که هنوز عیدی آنها پرداخت نشده بود، پس از پرداخت عیدی، تصفیه حساب شدند.

*روز یکشنبه ۱۸ تیر، کارگران شرکتی اداره راهداری و حمل و نقل اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش فارس، نیروهای شرکتی اداره راهداری و حمل و نقل استان اصفهان که در اعتراض به تعویق افتادن حقوق ۸ ماهه خود معترض بودند، اعتراض خود را با تجمع مقابل استانداری اصفهان ابراز کردند.

*پیش از ظهر یکشنبه ۱۸ تیر، جمعی از اهالی روستای پتک از توابع باغملک در اعتراض به عدم صدور مجوز کشت تابستانه مقابل ساختمان استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. به گزارش خوانا نیوز، یک کشاورز این روستا گفت: هم اکنون فصل کشت تابستانه ما در روستای پتک بیگدلی است اما به ما مجوز کشت داده نمی شود. وی که خواست نامش فاش نشود افزود: تنها منبع درآمد ما در این روستا کشاورزی و دامپروری است و شغل اصلی ما محسوب می شود.

*بامداد روز دوشنبه ۱۹ تیر، جمعی از کارگران شهرداری منطقه یک خرم آباد در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق، در میدان ۲۲ بهمن خرم آباد تجمع کردند. به گزارش جوان، کارگران معترض شهرداری منطقه یک خرم آباد به خبرنگاران گفتند: ۴ ماه است حقوق نگرفته ایم و زندگی ما در تنگنا قرار گرفته است اما شهرداری توجه ای نمی کند.

*روز پنجشنبه ۱۵ تیر، کارکنان شرکتی مخابرات استان لرستان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برای تبدیل وضعیت و بازگشت به کار همکاران اخراجی شان به همراه خانواده های شان، مقابل نمایشگاه بین المللی شهر خرم آباد تجمع کردند. به گزارش ایننا، کارکنان شرکتی مخابرات در استان لرستان برای چهارمین بار در هفته جاری تجمع اعتراضی برگزار کردند. خواسته تجمع کنندگان، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، عقد قرارداد مستقیم با مخابرات و بازگشت به کار کارکنانی است که در هفته ها و ماههای گذشته اخراج شده اند.

روز یکشنبه ۱۸ تیر، کارکنان شرکتی مخابرات اعلام کردند تا زمانی که تکلیف همکاران اخراجیمان مشخص نشود به اعتراضات و نامه‌نگاریها ادامه خواهیم داد.

روز دوشنبه ۱۹ تیر، بعد از گذشت حدود دو ماه از برپایی اجتماعات اعتراضی که هر روز توسط ۳۴۱ نفر از کارگران تازه بازنشسته مجتمع نیشکر هفت تپه برپا می شد، سر انجام کارفرما هزینه بازنشستگی آنان را پرداخت کرد.

*ظهر روز سه شنبه ۱۳ تیر، بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران شیفت بامداد بخش تولید رینگ سازی مشهد در اعتراض نسبت به طولانی شدن تاخیرها در پرداخت مطالبات شان مقابل دفتر شورای اسلامی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، علاوه بر تاخیر ۱۵ روزه ای که اکنون در پرداخت دستمزد خرداد ماه آنها ایجاد شده است، بابت کاهش یا توقف برخی مزایای مزدی دیگر از جمله حق افزایش تولید، بهره برداری و کمکه‌های غیر نقدی که در سالهای گذشته به آنها پرداخت می شد، طلبکارند. روز چهارشنبه ۱۴ تیر، کارگران کارخانه رینگ سازی مشهد برای دومین روزمتوالی مقابل دفتر شورای اسلامی کارخانه تجمع کردند. روز سه شنبه ۲۰ تیر، کارگران کارخانه رینگ سازی مشهد پس از یک هفته اعتصاب، به دنبال برگزاری جلسه شورای تامین شهرستان مشهد و وعده کارفرما، مشغول به کار شدند.

*روز سه شنبه ۲۰ تیر، شماری از کارگران مجتمع پتروشیمی ایلام در محل این مجتمع تجمع کردند. به گزارش فارس، کارگران معترض فقدان توجه به مطالبات معوق شان و همچنین فقدان تعیین تکلیف واحدهای مسکونی را علت این تجمع اعتراض آمیز عنوان کردند.

*روز چهارشنبه ۲۱ تیر، جمعی از کارگران اخراجی شرکتهای پارس جنوبی در اعتراض به اخراج و برای بازگشت به کار مقابل فرمانداری پارسین تجمع کردند. به گزارش پارسین خبر، یکی از معترضان به اخراج از پارس جنوبی گفت: سابقه ۱۴ سال فعالیت در پارس جنوبی را دارم، اما به بهانه اینکه یک فرد غیر بومی هستم من را از شرکت اخراج کردند.

*روز شنبه ۱۰ تیر، حدود ۸۰ نفر از کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل در اعتراض به عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق شان برای باری دیگر دست به تجمع مقابل استانداری اردبیل زدند. به گزارش گونا تی وی، کارگران تجمع کننده شعار می دادند: «عزا عزاست امروز، کارگر ذوب آهن رو به فناست امروز». کارگران این کارخانه طی دو سال گذشته چندین بار در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغلی شان و پرداخت نشدن حقوق شان، در مقابل استانداری، اداره کار و دفتر امام جمعه اردبیل تجمع کردند اما هیچ یک از این مسئولان گرهی از مشکلات این کارخانه و کارگران نگشودند. به گزارش تسنیم، کارگران اخراجی کارخانه ذوب آهن اردبیل در ادامه تجمعات اعتراضی شان نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی، دست به تحصن و اعتصاب غذا در یکی از مساجد این شهر زدند. درچنین شرایطی، در روز پنجشنبه ۲۲ تیر، قرار بر این شد که طلب کارگران در ۳ قسط تقسیم و پرداخت شود که قسط اول در حدود ۸۵۰ میلیون تومان از مطالبات این کارگران پرداخت شده و کارگران به اعتصاب غذای خود پایان دادند.

*روز پنجشنبه ۲۲ تیر، کارگران کارخانه ماشین سازی لرستان همزمان با سفر وزیر کشور به این استان در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی، دست به تجمع مقابل استانداری لرستان زدند. به گزارش تسنیم، کارگران اخراج شده از این واحد با حمل نوشته هایی با مضامینی همچون «شرکت ماشین سازی لرستان در سال تولید ملی، اقتصاد مقاومتی در سایه دولت تدبیر و امید تعطیل می شوند»، «استاندار لرستان تعطیلی کارخانه های مساوی فقر و بیکاری» و «مسئولان تعطیلی کارخانه ها مساوی بیکاری و طلاق و خودکشی» خواستار رسیدگی هرچه سریع مسئولان استان و انعکاس تعطیلی این واحد صنعتی مهم استان به مسئولان کشور شدند.

*روز پنجشنبه ۲۲ تیر، کارکنان اخراجی مخابرات لرستان مقابل اداره مخابرات این استان به همراه خانواده های شان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع معاون اداره کار استان لرستان حاضر شد و با تجمع کنندگان به صحبت

پرداخت. کارکنان شرکتی لرستان در هفته های گذشته بارها تجمعات اعتراضی برگزار کردند. خواسته آنها علاوه بر طرح طبقه بندی مشاغل و تامین امنیت شغلی، بازگشت به کار همکارانی است که اخیرا بیکار شدند.



*ظهر روز جمعه ۲۳ تیر، در پی مرگ یکی از جوانان در جاده انارستان به ریز بر اثر سانحه رانندگی، اهالی شهر انارستان با بستن مسیر، خواستار حضور مسئولان شدند. به گزارش آیینه جم، محمد رضا روزفراغ جوان انارستانی در پیچ جاده موسوم به باغ امام جانس را از دست داده و عدم رسیدگی مسئولان به این جاده سبب شده تا اهالی انارستان مسیر این شهر تا ریز را با سنگ و شاخه و تنه های درختان مسدود کنند.

*روز شنبه ۲۴ تیر، بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و وضعیت نامشخص بیمه تکمیلی، دست از کار کشیده و مقابل دفتر کارفرما تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران این تجمع گفت: پرداخت مطالبات مزدی کارگران رسمی و قرار دادی مجتمع نیشکر هفت تپه از اردیبهشت ماه سال جاری به تاخیر افتاده همچنين پاداش و بهره برداری سالهای ۹۴ و ۹۵ آنها هنوز پرداخت نشده است.

*روز شنبه ۲۴ تیر، کارگران کارخانه منیزیم فردوس در اعتراض به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق، ۴ ماه حق بیمه و اخراج تعدادی از همکاران شان تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، معاون امور اقتصادی استاندار خراسان جنوبی در بازدید از خط تولید کارخانه در جلسه ای که با حضور فرماندار، معاونان فرماندار، مدیرعامل کارخانه منیزیم و نماینده کارگران کارخانه برگزار شد، وعده پرداخت حقوق معوقه کارگران را داد.

*روز شنبه ۲۴ تیر، تعدادی از کارگران بیکار شده معدن خاک سرخ به دنبال تعطیلی ناگهانی معدن دست به تجمع مقابل بخشداری جزیره هرمز زدند. به گزارش مهر، این کارگران علت تعطیلی این معدن را اختلافات داخلی تعاونی مرزنشینان اعلام کردند.

*بامداد روز شنبه ۲۴ تیر، کارگران بازنشسته صنعت فولاد از اقصی نقاط کشور با سفر به تهران برای چندمین بار در شش ماه گذشته مقابل ساختمان دفتر مرکزی صندوق فولاد تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این بازنشسته ها که خواستار



وصول مطالبات محقق نشده و پرداخت به موقع مستمری بازنشستگی خود هستند گفتند: با وجود اعتراضات مکرر هنوز مطالبات آنها برآورده نشده است.

*بامداد روز یکشنبه ۲۵ تیر، تعدادی از کارگران روغن نباتی پارس قو در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و نا روشن بودن سرنوشت بازگشایی دوباره این کارخانه، در محوطه این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کل

کارگران کارخانه پارس قو در حدود ۲۰۰ نفر است که بارها در تجمعات اعتراضی خود با حمل بنرهایی نسبت به خطر فروپاشی زندگی خود و خانواده های شان بر اثر تعطیلی این واحد صنعتی، هشدار دادند.

*به گزارش قدس آنلاین، روز یکشنبه ۲۵ تیر، اداره آب و فاضلاب روستایی اقدام به حفر چاه آب شرب در محدوده روستای شهرستانک کرد که با اعتراض اهالی این روستا روبرو گردید. نیروی انتظامی به اهالی معترض روستای شهرستانک جغتای یورش آورد و هفت نفر از معترضان زخمی شدند و یکی از معترضان به دلیل شدت جراحات جان باخت.

*روز یکشنبه ۲۵ تیر، بیش از ۵۰۰ نفر از کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی سراسر کشور به تهران آمدند و مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع که برای چندمین بار در ماههای گذشته برگزار شد، در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی کارگزاران سازماندهی شده بود. این بیمه گران بدون بیمه و حق و حقوق گفتند: شیوه کار ما حجمی است و در ماههای کساد گذشته، میانگین درآمدمان، ۳۵۰ هزار تومان در ماه بوده است.

*رانندگان شرکت واحد رشت به دلیل دریافت نکردن چهار ماه حقوق معوقه، روز دو شنبه ۲۵ تیر دست از کار کشیده و مقابل دفتر شرکت دست به تجمع زدند.

به گزارش ایلنا، تعدادی از این کارگران گفتند: حدود ۱۰۰ کارگری که در بخشهای مختلف شرکت «توبوسرانی رشت» تحت عناوین شغلی راننده، تعمیرات، موتوری و ستادی توسط شرکتهای واسطه نیروی انسانی (پیمانکاری) مشغول به کارند که از بابت ثبات شغلی و ناچیز بودن دستمزدهای خود، ابراز نارضایتی می کنیم.

*بامداد روز دوشنبه ۲۶ تیر، حدود ۴۰۰ کارگر کارخانه کیان تیر در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق، تعطیلی خطوط تولید و واگذاری مجدد این واحد تولیدی به بخش خصوصی در محوطه محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض که در نوبت کاری صبح مشغول کارند گفتند: فعالیتهای کلیه خطوط تولید کارخانه از روز شنبه ۲۴ تیر متوقف شده است چرا که با تغییر رئیس کارخانه، کارخانه دچار بحران در تامین مواد اولیه شده است.

*روز دوشنبه ۲۶ تیر، کارگران اخراجی کارخانه ذوب آهن اردبیل بعد از چندین بار تجمع مقابل استانداری در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات شان و خلف وعده کارفرما، در پارک معلم و مقابل اداره کل کار استان گرد هم آمدند تا از آنجا شکایت خود را به دادستانی ببرند. به گزارش سیلان ما، نماینده این کارگران با اظهار ناراحتی از خلف وعده های صورت گرفته توسط مدیران ذوب آهن گفت: یک ماه از موعد اولین چک مدیران ذوب آهن که از بابت معوقات و طلبهای کارگران به اداره کار داده شده بود گذشته و اما وجه بصورت کامل پرداخت نشده تا قابل وصول باشد.

*صبح روز دوشنبه ۲۶ تیر، تعدادی از مهندسان نظام مهندسی نسبت به حذف مجری ذیصلاح مقابل استانداری مرکزی در اراک تجمع کرده و خواستار اجرای قانون شدند. به گزارش خبر آنلاین، یکی از مهندسانی که در این جمع معترض بود گفت: حذف مجری ذیصلاح موجب بیکاری ۱۰۰۰ مهندس و خارج شدن از چرخه ساخت و ساز در سطح استان شده است در حالیکه به این افراد پروانه مجری صادر شده بود.

*روز سه شنبه ۲۷ تیر، کارگران پتروشیمی رازی ماهشهر برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت نشدن کامل مطالبات شان مقابل کارگاه این مجتمع تجمع کردند. به گزارش فارس، کارگران این شرکت که کارهای تعمیراتی شرکت پتروشیمی رازی را انجام می دهند در سال ۹۵ نیز به همین دلیل دست

به اعتراض زده بودند که در آن زمان با دادن قول مساعد برای رفع مشکلات از سوی مسئولان پتروشیمی رازی به کار خود ادامه دادند.

*روز سه شنبه ۲۷ تیر، جمعی از کارگران شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس از سراسر کشور در اعتراض به عدم پرداخت کامل مطالبات شان دست به تجمع مقابل سازمان خصوصی سازی زدند. به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران گفت: شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس ۱۲۸۶ نفر نیروی کار دارد که در سراسر کشور مشغول به کار هستند. بر اساس این اظهارات، جمعی از کارکنان شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس به تهران سفر کردند تا با تجمع در مقابل سازمان خصوصی سازی، اعتراض خود را نسبت به نحوه محاسبه و پرداخت دستمزدهای شان اعلام کنند.

*روز سه شنبه ۲۷ تیر، جمعی از کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران اعتصابی گفتند: در کارخانه بلبرینگ سازی تبریز حدود ۱۹۰ نفر کارگر رسمی و قرار دادی فعالیت دارند که از زمان خصوصی سازی محل کارشان با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستند.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۸ تیر، کارگران بازنشسته و شاغل شرکت نیشکر هفت تپه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در ادامه اعتصابات و تجمعات ماهها و هفته های گذشته کارگران شاغل و بازنشسته شرکت نیشکر هفت تپه، محوطه این شرکت صحنه اعتراض و حق خواهی متحدانه آنان بود.

*روز چهارشنبه ۲۸ تیر، کارگران سیمان مارگون در اعتراض به نداشتن قرارداد و عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست از کار کشیده و مقابل کارخانه تجمع کردند. به گزارش تسنیم، این کارگران که از گفتگو با خبرنگاران به دلیل اخراج از کار واهمه داشتند، گفتند: دلیل تجمع شان به خاطر مشکلات مالی، هزینه های ایاب و ذهاب و نداشتن قرارداد با کارخانه سیمان و سه ماه حقوق عقب افتاده است.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۸ تیر، کارگران شهرداری شهر اردل پول در استان چهار محال و بختیاری در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق جلوی دفتر امام جمعه این شهر تجمع کردند. به گزارش هفت چشمه، یکی از این کارگران گفت: حقوق ماههای فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر کارگران شهرداری شهر اردل هنوز پرداخت نشده است و کسی هم برای پرداخت حقوقمان جوابگو نیست و در جواب ما می گویند که باید پیمانکار حقوقتان را پرداخت کند.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۸ تیر، حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت کشتی سازی بحر گستر هرمز در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و ماهها حق بیمه مقابل مجتمع کشتی سازی خلیج فارس در بند عباس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، نزدیک به ۵۰۰ کارگر از طریق شرکت بحر گستر هرمز در پروژه های کشتی سازی در استان هرمزگان مشغول کارند که از اردیبهشت ماه مطالبات مزدی خود را به صورت کامل دریافت نکرده اند.

*روز چهارشنبه ۲۸ تیر، کارگران کارگران کارخانه کاشی گیلانا در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی برای باری دیگر مقابل فرمانداری شهرستان رودبار تجمع کردند. به گزارش گیل خبر، برای درک و همدردی بیشتر این خانواده ها گوشه ای از نامه یکی از فرزندان کارگران کارخانه را به رسانه های شهرستانی یادآور می شوم: «دوست دارم به مدرسه روم، اما از پدرم خجالت می کشم چون می دانم اگر پولی بخواهم دستانش خالی است پس بهتر است بیخیال مدرسه شوم.»

*دور جدید اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد ایران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق از روز پنجشنبه ۲۹ تیر آغاز شد. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران به نمایندگی از سایرین گفت: ۳ بخش از کارخانه تولید ندارد و کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، کار نمی‌کنند و تولید را متوقف کرده‌اند.

روز دو شنبه ۲۶ تیر، کارگران کارخانه آذربایجان در اعتراض به خلف وعده کارفرما مبنی بر عدم پرداخت مطالبات شان دست به راهپیمایی زدند و دو باره راهی مرکز شهر اراک شدند. به گزارش اراک امروز، این کارگران پیش از این در روز اول خرداد در هفتمین روز اعتصاب شان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق راهی مرکز شهر اراک شدند و در میدان صنعت تجمع کردند و به دنبال وعده پرداخت مطالبات شان طی دو هفته به اعتصاب شان خاتمه دادند.

روز پنجشنبه ۲۹ تیر، یکی از کارگران حاضر در تجمع اعتراضی به ایلنا گفت: از روز دوشنبه ۲۵ تیر ماه برای معوقات مزدیمان در محوطه کارخانه تجمع کردیم اما هر بار به جز وعده، سخن دیگری از زبان کارفرما و مسئولان مربوطه نشنیدیم. او ادامه داد: در نتیجه ادامه همین وضعیت به ناچار دو روز گذشته نیز در محدوده میدان باغ ملی و مرکز شهر اراک در حوالی محل استقرار کارخانه قرار دارد، جمع شدیم تا بلکه این بار وعده‌هایی تکراری رنگ اجرایی به خود گیرد. روز شنبه ۳۱ تیر، کارگران کارخانه آذربایجان در ادامه اعتراضات شان نسبت به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق، مقابل استانداری مرکزی تجمع کردند.

*بامداد روز شنبه ۳۱ تیر، ۷۰۰ نفر از کارگران مناطق ۸ گانه شهرداری اهواز در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و برای تبدیل وضعیت و عقد قرارداد مستقیم برای پنجمین روز متوالی مقابل ساختمان مرکزی شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع کارگران پیمانکاری شاغل در بخشهای مختلف از جمله بخش خدمات و فضای سبز حضور داشتند.

*روز سنبه ۳۱ مرداد، کارگران معدن امین یار شهرستان فاریاب استان کرمان در اعتراض به نداشتن قرارداد و عدم پرداخت ۶ ماه حقوق اعتصاب کردند و در ابتدای درب معدن با بستن جاده ورودی با اتوبوس عملاً از کار کردن دست برداشتند.

به گزارش آرمان کرمان، این اعتصاب در حالی رخ داده است که در اسفند ماه سال گذشته همین تعداد دست به اعتصاب زدند که با ورود فرماندار وقت به این حوزه یک ماه حقوق پرداخت شد اما این پرداخت تداوم نداشته و سبب عقب افتادن دوباره حقوق کارگران گردید.

*روز شنبه ۳۱ تیر، کارگران کشتارگاه صنعتی بجنورد در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه دست از کار کشیدند. به گزارش ایسنا، مدتی است که حقوق و دستمزد کارگران کشتارگاه صنعتی بجنورد پرداخت نشده و این امر سبب شد تا آنها اعتصاب کرده و کشتارگاه از مدار فعالیت خارج شود.

*روز شنبه ۳۱ تیر، تجمع ۵ روزه کارگران مناطق هشت گانه شهرداری اهواز در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری خوزستان ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، کارگران شهرداری به رغم شرایط کاری سخت، دستمزد بسیار ناچیزی در حدود یک میلیون تومان دریافت می‌کنند که باعث شده همه کارگران در مضیقه باشند.

*روز شنبه ۳۱ تیر، اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد ایران سومین روز را پشت سر گذاشت. به گزارش ایرنا، دور جدید اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد ایران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق از روز ۲۹ تیر آغاز و تا به امروز ادامه پیدا کرد. کارگران معترض طی این روزها در محل کارشان حاضر و تجمع برپا داشتند.

*کارگران کارخانه سیمان کارون، از روز دوشنبه ۲۵ تیر، در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات شان اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا، اعتصاب کارگران در روز شنبه ۳۱ تیر، ششمین روز خود را پشت سر گذاشت. رئیس کارخانه سیمان کارون با تایید معوقات مزدی گفت: همه مسئولان شهرستانی و استانی در جریان مشکلات به وجود آمده در سیمان کارون هستند و در این زمینه جلسات متعددی را در پیگیری به این مشکلات انجام داده‌اند.

جنبش غارت شدگان

در ماه گذشته، همچون ماههای پیش، ایرانیان غارت در سراسر کشور، فریاد اعتراضی خود را هرچه رساتر به گوش همگان رساندند. در حالی که رژیم برای موشک سازی و آشوبگری میلیاردها دلار هزینه می کند، به مردم غارت شده توسط کلاه برداران و کلاشان حکومت که با نام موسسات اعتباری و بانکی جیب مردم را خالی کرده اند، توجه نمی کند.

در ماه گذشته بدون اغراق صدها خبر نوشتاری، تصویری و ویدئویی از مبارزه زنان و مردان غارت شده در رسانه های حکومتی و مستقل منتشر شد.

با مراجعه به دو آدرس زیر می توان تعدادی از حرکت‌های اعتراضی زنان و مردان معترض را مشاهده و صحبت‌های آنان را شنید.

<https://www.youtube.com/watch?v=o4OP688M-zk>

<https://www.youtube.com/watch?v=aTHffvd50tQ>

برخی از حرکت‌های اعتراضی مردم چاپیده شده در دهه سوم تیرماه چنین است:

روز سه‌شنبه ۱۹ تیر، در نیشابور، یک خانم معترض به غارتگری مؤسسه کاسپین و به دلیل شدت فشار وارده در مقابل این مؤسسه به اغما رفت.

روز سه‌شنبه ۲۰ تیر، در شوشتر غارت شدگان توسعه (آرمان) مقابل فرمانداری رژیم تجمع اعتراضی برگزار کردند. روز پنجشنبه ۲۲ تیر، در گچساران، غارت شدگان مؤسسه توسعه (آرمان) برای چندمین بار در مقابل شعبه این مؤسسه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز شنبه ۲۴ تیر، غارت شدگان مؤسسه های مالی در شهرهای کوهدشت، اردبیل، بابل و کرج تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در همین روز غارت شدگان مؤسسه توسعه (آرمان) و کاسپی مقابل بیدادسرای رژیم در خیابان فاطمی تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در کوهدشت مردم غارت شده و خشمگین ابتدا با آتش زدن لاستیک، خیابان مقابل شعبه مؤسسه توسعه (آرمان) را مسدود کردند و در و پنجره و شیشه‌های این مؤسسه را با گل پوشاندند.

غارت شدگان موسسات دولتی در شهر بابل شعار می دادند: پول ماست حق ماست حاصل یک عمر ماست.

روز دوشنبه ۲۶ تیر، در کرمان، چندین هزار تن از غارت شدگان توسط مؤسسه کاسپین در اعتراض به غارت سپرده های شان توسط این مؤسسه وابسته به سپاه پاسداران برای چندمین بار راهپیمایی کردند.

روز پنجشنبه ۲۹ تیر، برای بار دیگر در گچساران، غارت شدگان خشمگین از مؤسسه آرمان (توسعه) مقابل فرمانداری رژیم در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بامداد روز شنبه ۳۱ تیر، غارت شدگان مؤسسه توسعه (آرمان) به سمت درب سرپرستی این مؤسسه و دفتر نماینده مجلس ارتجاع در اهواز راهپیمایی کردند.

شهدای فدایی در مرداد ماه

رفقا: ناصر فضل الهی - محمد صفاری آشتیانی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - فرامرز شریفی - محمد رضا خوانساری - احمد زیبرم - فریدون شافعی - عباس جمشیدی رودباری - زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانزاد - عبدالله سعیدی بیدختی

- حسین الهیاری - جهانبخش پایداری - مرتضی (امیر) فاطمی - داریوش شفاعتیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیامی - بهروز کتابی - سعیده کریمیان - گودرز همدانی - مهدی یوسفی کهل - حسن کهل - زهرا فرمانبردار - حسین پور قنبری - محمد تقی ترابی - محمد رضا رمضان علی - محمد عظیمی - محمد یزدانی - کامران اسماعیل زاده - هادی حسین زاده کرمانی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده - سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری - هامان شفیعی - محمد (محمود) یوسفی - حسین محمدی - بیژن مجنون - عبدالکریم عبدالله پور - سعید سلیمانی نژاد - علی احمدی - عباسعلی شریفیان - علی رضا قاسمیان - اسماعیل عابدی - غضنفر اسدی - جمیل اکبری آذر - ونداد ایمانی - مسعود جعفرپور - ابراهیم جلالی - عبدالرحیم (مجید) جلالی - شهرام خدایناهی - یحیی رجبی - محمد رفیعی - فرهاد سلیمانی - مهین ضیانشندی - مهدی صدیق پور - علی یاسری نشتمی - ابراهیم جلالی - مینا ضامنیان - سعید سالاری ساردوئی - حسن منصوری - یعقوب مالنی - ایوب ملکی - عزیز محمد رحیمی - بهروز کتابی - آذرنوش مهدویان - یوسف منزله - اردشیر شیرین بخش - عبدالله لیچائی - آرامائیس داربیانس - محمدرسول عزیزیان - کاظم کازرونی - فیروز صدیقی - کریم ترابی - عبدالرضا ترابی - جمشید پورقاسمی - عبدالعظیم سرعتی - مینا ضامنیان - از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلیمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُنن - آلمان،

۲- چهلیمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 387 23 july 2017

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

NABARD CULTURAL ASSOCIATION : Published by

NABARD - E – KHALGH in Telegram

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook

<https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>